

شيعه و بيت المقدس

ترجمه ى كتاب: (الشيعه والمسجد الأقصى)

نويسنده:

طارق احمد مجازى

مترجم:

عبدالقدير ميرزى

شناسنامه کتاب

نام کتاب: شیعه و بیت المقدس (الشیعة والمسجد الأقصى)

نویسنده: طارق أحمد حجازی

مترجم: عبدالقدیر میرزی

ناشر: انتشارات حقیقت

تیراژ: ۱۰۰.۰۰۰

سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ ش برابر با ۱۴۳۰ هـ ق

نوبت چاپ: اول

آدرس ایمیل: En_Haghighat@yahoo.com

www.aqeedeh.com

www.ahlesonnat.net

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

سایت‌های مفید:

فهرست

مقدمه	۵
افترايي در يك كتاب!!	۷
جاىگاه مسجد الاقصى در تفاسير شيعه	۱۰
۱- تفسير صافى	۱۰
۲- تفسير نور الثقلين	۱۲
۳- تفسير عياشى	۱۳
۴- البرهان فى تفسير القرآن	۱۴
۵- بيان السعادة	۱۵
جاىگاه مسجد الاقصى در مراجع شيعه	۱۷
۱- بحار الانوار	۱۷
۲- منتهى الآمال	۱۸
۳- كامل الزيارات	۱۸
۴- الصحيح من سيرة الرسول الاعظم	۱۹
۵- الكافى	۲۱
۶- علل الشرايع	۲۱
۷- المصباح فى الادعية و الصلوات و الزيارات	۲۲
۸- تفصيل وسائل الشيعه	۲۳
برترى مسجد كوفه بر سه مسجد ذكر شده، نزد شيعه ها	۲۴
كربلا از كعبه و مسجد الاقصى برتر است!!	۲۷
گفتار شيعيان معاصر در خصوص جاىگاه مسجد الاقصى	۳۲
كربلا را قبل از قدس آزاد سازيد!!	۳۲

- ۳۳..... فضل و برتری نجف بر قدس، در شعر ابن معصوم!!
- ۳۴..... آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم تر است
- ۳۵..... سامراء و بقیع غرقند نزد شیعه‌ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند
- ۳۶..... کانونهای (یا حسین) کانونهای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه اقصی
- ۴۰..... مسجدالاقصی در نوشته‌های یهود
- ۴۱..... ماده قدس از دیدگاه بوهل
- ۴۱..... إسحق حسون
- ۴۲..... حوالا تسروس یافه
- ۴۳..... یهود الیطانی
- ۴۳..... کستر ((kester M.J.))
- ۴۵..... مسجدالاقصی در نوشته های مستشرقین؟!!
- ۴۵..... جولد تسیهر
- ۴۷..... ریجیس بلاشیر
- ۴۸..... خلاصه
- ۴۹..... ارزش و جایگاه مسجدالاقصی نزد مسلمانان
- ۵۰..... اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجدالاقصی
- ۶۷..... و در پایان می پرسیم
- ۷۱..... گفتار پایانی
- ۷۱..... اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجدالاقصی به سه دسته تقسیم می شود
- ۷۱..... دیدگاه اول
- ۷۲..... دیدگاه دوم
- ۷۳..... دیدگاه سوم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على أشرف المرسلين، نبينا محمد و علي آله و صحبه أجمعين.

شاید بعضیها نوشتن کتابی در مورد مسجد الاقصی و جایگاه آن در شریعت اسلامی، و اهمیت آن در دل مسلمانان را نادرست و بی ارزش تلقی کنند، زیرا این مسئله را از مسائل قطعی و ثابت شده‌ای می‌دانند که جای هیچ گونه بحث و مجادله‌ای نیست. و نیازی به توضیح و بیان ندارد؛ چرا که جایگاه و برتری آن با نص قرآن و حدیث پیامبر ﷺ و اجماع امت ثابت شده است؛ اما ما یقین داریم کسی که این رساله را مطالعه کند حقایقی برایش روشن می‌شود که پس از آگاهی از آنها و اطلاع پیدا کردن در مورد نیرنگ و فریبکاریهای عده‌ای از مردم که ادعای یاری و نصرت مسجد الاقصی؛ سرزمین اسراء و معراج را دارند. و همچنین از دغل کاری و حقه بازیهای مردمانی که به ظاهر پرچم دفاع از مردم مستضعف فلسطین و مقدسات آنها را برافراشته‌اند پی ببرد عذر مرا هم خواهد پذیرفت.

به همین جهت دفاع از جایگاه و ارزش مسجد الاقصی، و آگاهی بخشی در مورد کتابها و مراجع مورد اعتماد، و ثقه شیعه‌ها-که کم هم نیستند- لازم و ضروری است!! آگاهی دادن در مورد چیزهایی که شیعه‌ها راجع به مسجد الاقصی که در فلسطین واقع شده است با دستان خود نوشته‌اند؛ مبنی بر اینکه آن مسجد هیچ گونه ارزش و جایگاهی ندارد بلکه مسجدی که دارای این جایگاه و ارزش است در آسمان قرار دارد!! و بیشتر مردم دچار خیال بافی شده‌اند که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می‌دانند!!

ما تلاش نموده‌ایم که این پندارهای بی پایه و بی اعتبار را جواب دهیم و از زشتی و پلیدی آنها پرده برداریم، تا با سخن و قلم در کشف حقایق و برطرف نمودن پرده‌های

سیاه و تاریک سهمی داشته باشیم، و از دسیسه‌ها و نیرنگهایی که افترا گویان و دروغ پردازان در صدد نوشتن و ثبت آنها در کتابهایشان هستند، مردم را مطلع نماییم. و همچنین در خلال بحث و بررسیهای خود ثابت نموده‌ایم که هرکس - از یهود و مستشرقین - که در صدد ایجاد شک و گمان در مورد جایگاه مسجد الاقصی بوده است، این گمان و پندارهای بی ارزش را از مراجع و کتابهای شیعه برکشیده و آنها را شمشیری تیز و برنده در راستای ثوابت و عقیده امت ما قرار داده است تا از ارزش و جایگاه مسجد الاقصی در دل‌های ما بکاهد.

می‌خواهم اشاره کنم که هدف ما از نوشتن این رساله همبستگی و هم صدایی مسلمانان و وحدت کلمه امت اسلامی و اتفاق بر مقدسات خود و همچنین دوستی کسانی که خداوند فتح و پیروزی را بر دستهای آنها قرار داده است می باشد. و از سوی دیگر جلوگیری از یورش لشکر پروفیسورهای یهود و مستشرقینی است که ماده کشنده و ویرانگر شک و شبهه را در کتابهای شیعه یافته و آنرا وسیله‌ای برای اهانت و بی ارزش جلوه دادن جایگاه مسجد الاقصی نزد مسلمانان قرار داده اند. پس بسیار ضروری است که در مورد این روایات شک آمیز و دروغین شیعه‌ها که در مورد ارزش و جایگاه مسجد الاقصی وارد شده‌اند تحقیق و بررسی به عمل آوریم و در راستای اثبات فضیلت و برتری بیت المقدس با دلایل و برهانهای دندان شکن گام برداریم.

والحمد لله رب العالمین

طارق احمد حجازی

افتزایی در یک کتاب!!

(مسجد الاقصی کجا است؟) نام و آدرس کتابی است که علامه شیعه «جعفر مرتضی عاملی» آن را نگاشته است و در آن چنین آمده است: ((واقعیتهایی در خصوص مسجد الاقصی برای ما روشن گردیده که به طور قطع بیان می دارند که مسجد الاقصی در فلسطین واقع نمی باشد))

و اقوال و روایات زیادی را از مراجع و کتابهای سیره و تفاسیر گوناگون معتبر نزد شیعه‌ها را بیان می دارد که دال بر صحت تأویل او برای حادثه اسراء، و اینکه مسجد الاقصی مسجدی در آسمان می باشد!!!

چنانکه تصریح می دارد که مسجد الاقصی مسجدی است در آسمان بر خلاف اعتقاد عموم مسلمانان که می گویند مسجد الاقصی همان قدس است!! و (عاملی) در کتابش به نام ((الصحيح من سيرة النبي الاعظم))^۱ می گوید (هنگامی که عمر وارد بیت المقدس شد مسجدی در آنجا وجود نداشت چه رسد به اینکه نامش را اقصی بنهند)^۲ ((و مسجد الاقصایی که اسراء (شب روی) به سوی آن واقع شد، و خداوند دور و بر آن را پر برکت و گرمی داشته است، مسجدی است در آسمان))^۳ ^۴

^۱ برای تألیف این کتاب نه اینکه این تأویلات باطل و تردید آمیز در مورد جایگاه مسجد الاقصی و اینکه آن مسجد در آسمان است را از او قبول نکردند بلکه از طرف ایران جاززه ویژه را دریافت نمود، و از طرف ((احمدی نژاد)) رئیس جمهور ایران تکریم و تجلیل هم شد.

^۲ الصحيح من سيرة النبي الاعظم (۱۳۷/۳) چاپ پنجم سال ۱۴۲۷ هـ- ۲۰۰۶ م مرکز پژوهشهای اسلامی.

^۳ الصحيح من سيرة النبي الاعظم (۱۰۶/۳)

^۴ الصحيح من سيرة النبي الاعظم (۱۲۸/۳، ۱۲۹)

و هنگامی که آراء و نظرات را در مورد تباه کاریهای یهود که دو بار در سوره اسراء ذکر شده بیان می دارد، سخن آنهایی که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می دانند را این گونه توصیف می کند: این سخنان، فرضیات و احتمالات غیر واقعی هستند. و به دنبال آن می گوید: می گوئیم همه اینها پندارهایی هستند در خیال آنهایی که مسجد الاقصی را همان مسجد واقع در فلسطین می دانند و بدان استدلال می کنند^۱ و یکی دیگر از دلایلی که بدان استدلال می نماید مبنی بر اینکه مسجد الاقصی در آسمان می باشد!! روایتی است که در کتاب بحار الانوار ((مجلسی))^۲ آمده است:

((عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل فقال: المسجد الحرام، و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداک؟ فقال: ذاک فی السماء، الیه اسرئ برسول الله صلی الله علیه و آله فقلت: انّ الناس یقولون إنّه بیت المقدس؟ فقال: مسجد الکوفة أفضل منه))!!

از ابی عبدالله روایت شده که می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت و برتری هستند، فرمود: مسجد الحرام، و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم مسجد الاقصی چه فدایت شوم؟ فرمود آن در آسمان است و پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می گویند که آن مسجد، همان مسجدی است که در بیت المقدس واقع است؟ فرمود: مسجد کوفه از آن برتر است.

در این جا این سؤال مطرح است که آیا آنچه که عاملی می گوید از نظر شیعه ها جزو بدعتها و سخنان بی پایه محسوب می شود یا اینکه عقیده ای استوار و دیدگاه آنها است؟

^۱ الصحيح من سيرة النبي الاعظم (۱۳۹/۳)

^۲ بحار الانوار (۹۰/۲۲)

برای جواب این سؤال به تفاسیر آنها مراجعه می کنیم تا ببینیم که مسجد الاقصی دارای چه جایگاهی است؟!

جایگاه مسجد الاقصی در تفاسیر شیعه

۱- تفسیر صافی

در تفسیر صافی تألیف ((فیض کاشانی)) در تفسیر آیه:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَّا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾﴾ الإسراء: ۱

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

چنین آمده است: (یعنی به سوی مُلک عظیم مسجد الاقصایی که در آسمان واقع شده است، چنانکه در اخبار و روایات آشکار می‌شود)^۱ و به دنبال سخن فوق این روایت را می‌آورد:

^۱ تفسیر صافی تألیف فیض کاشانی (۱۶۶/۳) مؤسسه چاپ و نشر علمی.

(روی القمى عن الباقر عليه السلام أنه كان جالساً فى المسجد الحرام فنظر الى السماء مرةً و الى الكعبة مرةً ثم قال: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۱)

و كرر ذلك ثلاث مرات ثم التفت الى إسماعيل الجعفى فقال: ائى شىء يقول اهل العراق فى هذه الآية يا عراقى؟ قال: يقولون: اسرى به من المسجد الحرام الى بيت المقدس؛ فقال: ليس كما يقولون، و لكنّه اسرى به من هذه الى هذه، و اشار بيده الى السماء، و قال بينهما حرم))^۱

قمى از امام باقر عليه السلام روایت می کند که او در مسجد الحرام نشسته بود، نگاهى به آسمان و سپس به كعبه نمود و این آیه را تلاوت نمود:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۱

این کار را سه بار تکرار نمود و سپس رو به اسماعیل جعفى کرد و گفت: اى عراقى! اهل عراق در مورد این آیه چه می گویند؟ گفت: می گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله در حادثه اسراء از مسجد الحرام به بیت المقدس برده شد، گفت: نه، چنین نیست که آنها می گویند بلکه از اینجا به آنجا برده شد و با دستهایش به آسمان اشاره نمود و گفت: مابین آنها حرم است.

^۱ منبع سابق (۱۶۶/۳).

۲- تفسیر نور الثقلین

(حویزی)^۱ در تفسیر نورالثقلین، تفسیرسوره اسراء را با ذکر روایات گذشته و تأکید بر آنها، این چنین آغاز می کند.

: از سالم حنط از مردی از ابی عبدالله علیه السلام روایت می کند که گفت: در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت هستند از او سؤال نمودم در جواب گفت: مسجد الحرام، و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله. گفتم: مسجد الاقصی چه جانم فدایت؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می گویند که آن مسجد همان بیت المقدس است؟ گفت: (مسجد کوفه از آن برتر است)^۲

(حویزی) از قول علی بن ابراهیم، می افزاید که گفت: خالد از حسن بن محبوب از محمد بن یسار از ابی مالک از دی از اسماعیل جعفی روایت نموده که گفت: من در مسجدنشسته بودم و ابو جعفر علیه السلام نیز در گوشه ای از مسجد حضور داشت و سررا بلند کرد و به آسمان نگرید و سپس به کعبه نگاه کرد و گفت:

﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لَنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾ الإسراء: ۱

. تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای

۹ او عبدعلی بن جمعة العروسی حویزی، متوفای سال ۱۱۱۲ هـ می باشد.

۲ تفسیر نورالثقلین، عبدعلی حویزی، با تصحیح و شرح هاشم محلاتی (۹۷/۳) چاپ اول سال ۱۴۲۴ هـ دارالتفسیر - قم ایران.

زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نماند). می‌ماند).

وسه بار این آیه را تکرار نمود و سپس به من نگاه کرد و گفت: ای عراقی! اهل عراق در مورد این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند پیامبر ﷺ از مسجد الحرام به بیت المقدس، به اسراء برده شد، گفت: ((نه چنین نیست که آنها می‌گویند، بلکه از این جا، به آنجا (و با دستهایش به آسمان اشاره نمود) به اسراء برده شد، و گفت: و حرم مابین آن دو است) ^۱

۲- تفسیر عیاشی

عیاشی در تفسیر آیه اول سوره اسراء روایتی را می‌آورد که بر آن تأکید دارد که مسجد الاقصی در آسمان قرار دارد، و می‌گوید:

((عن سالم الحنط عن رجل عن ابی عبد الله عليه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول ﷺ، قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداك؟ قال: ذالك في السماء، اليه اسرى رسول الله ﷺ فقلت: إن الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال مسجد الكوفة افضل منه)) ^۲!!

^۱ تفسیر نور الثقلین (۹۸/۳)

^۲ تفسیر عیاشی؛ تألیف محمد بن عیاش سلمی سمرقندی، با تحقیق هاشم محلاتی (۳۰۲/۲) چاپ اول سال ۱۴۱۱ هـ ۱۹۹۱ م مؤسسه چاپ اعلمی.

از سالم حناط از مردی او هم از ابی عبد الله علیه السلام روایت نموده که گفت: از ابی عبد الله علیه السلام سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می گویند: مسجد الاقصی همان بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!

۶- البرهان فی تفسیر القرآن

بحرانی در تفسیر (البرهان فی تفسیر القرآن) روایتی را- که در بیشتر و مهمترین تفسیرهای شیعه تکرار شده، و همچنین طباطبائی نیز در تفسیر المیزان آن را ذکر نموده است- آورده که (گمان او) به طور قطع دال بر این است که مسجد الاقصی در آسمان است. (عن سالم الحناط عن رجل عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداک؟ قال: ذالک فی السماء، الیه اسرى رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت: إن الناس يقولون إنه بیت المقدس؟ فقال مسجد الكوفة افضل منه!!^۱)

از سالم حناط از مردی او هم از ابی عبد الله علیه السلام روایت نموده که گفت: از ابی عبد الله سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می

^۱ البرهان فی تفسیر القرآن، تألیف: هاشم بحرانی (۵۲۲/۴) چاپ اول سال ۱۴۱۹هـ-۱۹۹۹م مؤسسه اعلمی.

گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!

۵- بیان السعادة

سلطان جنابذی در کتاب ((بیان السعادة فی مقامات العبادة)) اقوال زیر را در تفسیر آیه اول سوره اسراء گرد آوری و بیان می دارد.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا﴾ الإسراء: ۱
تسبیح و تقدیس خدایی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد.
یعنی مسجد الحرامی که در بیت المقدس است، یا به بیت المقدسی که در آسمان چهارم قرار دارد و به بیت المعمور نیز مشهور است که مسجد الاقصی نمادی از آن است و آن که ملکوتی و واقعی می باشد در آسمان است، همچنانکه مسجد الحرام نمادی از مسجد الحرامی است که حقیقتش در آسمان است))^۱

﴿الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ﴾ الإسراء: ۱

را چنین تفسیر می نماید: (در واقع حوالی و دور و بر بیت المقدس، شام و مصر می باشد که این دو (منطقه) از سایر بلاد و شهرها جدا و متمایز می باشند زیرا

^۱ بیان السعادة فی مقامات العبادة، تألیف: سلطان محمد جنابذی، ملقب به سلطان علی شاه (۴۳۱/۲) چاپ دوم سال ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م مؤسسه اعلمی.

دارای نعمتهای زیادی از هر جنس می باشند، و بیت المعمور که در آسمان چهارم است، مشخص است که حوالی و دور و برش دارای برکت بسیاری است.^۱ آنچه گذشت بر آن دلالت دارد، که حدیثی که در بیشتر تفسیرهای شیعه آمده در رابطه بامسجدی است که پیامبر ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد و آن در آسمان و در بیت المعمور می باشد و نامش مسجد الاقصی، همانام مسجدی است که در قدس قرار دارد!!

هم اکنون به بیان و ذکر گوشه‌ای دیگر از مراجع مورد اعتماد شیعه‌ها می پردازیم تا خوانندگان محترم بیشتر با معتقدات و دیدگاههای آنها در مورد مسجد الاقصی آشنا شوند؟! !

^۱ بیان السعادة (۴۳۱/۲)

جایگاه مسجد الاقصی در مراجع شیعه

آنچه که در کتابهای شیعه آمده با اقوال و سخنانی که در بارزترین و مهمترین تفسیرهای آنان ذکر شده، تفاوتی ندارد، و هم اکنون به بیان جایگاه مسجد الاقصی در مهمترین و بارزترین کتابهای شیعه می پردازیم.

۱- بحار الانوار

مجلسی در بحار الانوار چنین ذکر می نماید:

((عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول ﷺ قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، اليه اسرى رسول الله ﷺ فقلت: إن الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال مسجد الكوفة افضل منه))^۱

از ابی عبد الله علیه السلام روایت نموده که او گفت: از ابی عبد الله سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول ﷺ گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر ﷺ به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!

^۱ بحار الانوار؛ تألیف: محمد باقر مجلسی (۴۰۵/۹۷) چاپ سوم سال ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م؛ دار احیاء التراث العربی.

۲- منتهی الآمال

در کتاب منتهی الآمال، تألیف عباس قمی چنین آمده: ((قول مشهور این است که مسجد الاقصی، همان بیت المقدس است، اما از مجموع احادیث زیادی که در این زمینه وارد شده‌اند چنین بر می آید که مراد از آن، بیت المعموری است که در آسمان چهارم قرار دارد و دورترین مسجد هم می باشد))^۱

۳- کامل الزیارات

ابن قولویه در کتاب "کامل الزیارات" چنین آورده است: از ابی عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: مردی پیش امیر المؤمنین آمد و ایشان در مسجد کوفه بودند، گفت: درود و سلام و برکات خدا بر تو باد ای امیر المؤمنین، امیر المؤمنین هم جواب سلام او را داد. آن مرد گفت: من می خواهم به مسجد الاقصی بروم اما خواستم که پیش از عزیمت به آنجا به حضور شما بیایم و از شما سلام و خدا حافظی بکنم، امیر المؤمنین علیه السلام گفت: برای چه بدانجا می روی؟ گفت: فدایت شوم برای ثواب و فضیلت، گفت: وسیله سواریت را بفروش و پول آنرا مصرف کن، و در این مسجد نماز بخوان، زیرا ادای نماز فرض در این مسجد، حج مبرور است، و ادای نماز سنت در آن عمره مبرور است، و مسافت دوازده میل از هر طرف آن مبارک است، و جهت راست آن دارای یمن و طرف چپش مبارک است و در وسط آن چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آب است که برای مؤمنان شراب است، و نیز چشمه‌ای از آب است که برای مؤمنان وسیله پاکیزگی است، و حرکت کشتی

^۱ منتهی الآمال لتألیف: عباس قمی ص ۷۰.

نوح از آن سرگرفت، و نسر و یغوث و یعوق نیز در آنجا بوده‌اند، و هفتاد پیامبر و هفتاد وصی و جانشین در آنجا نماز خوانده‌اند که من یکی از آن وصی و ولیها می باشم، و گفت: هیچ مصیبت زده‌ای در آنجا دعا نکرده و طلب رفع مشکل ننموده مگر اینکه خواسته‌اش مستجاب گردیده و خداوند مشکلش را رفع نموده است))^۱

۶- الصحیح من سیره الرسول الاعظم

(جعفر عاملی) در کتاب ((الصحیح من سیره الرسول الاعظم)) مقرر می نماید که: مسجد الاقصی، مسجدی است در آسمان و به حدیثی استناد می کند که نه از لحاظ سند صحیح است و نه از لحاظ متن، و آن را به پیامبر ﷺ نسبت می دهد و می گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

((لما أُسْرِى بى الى السماء اذاً على العرش مكتوب: لا إله الا الله محمد رسول الله، ايدته بعلى عليه السلام))^۲

هنگامی که به اسراء برده شدم دیدم که بر عرش نوشته شده بود: لا إله الا الله محمد رسول الله، ايدته بعلى عليه السلام.

یعنی هیچ معبودی جز الله وجود ندارد و پیامبر فرستاده او است که خداوند او را با علی عليه السلام تأیید و تقویت نمود و در کتاب ((المسجد الاقصی این؟)) مسجد الاقصی کجا است؟) برای تأویل و توجیه سخن خود چنین دلیل می آورد: این از ساده‌ترین

^۱ کامل الزیارات ص ۸۰، و بحار الانوار (۴۰۴۹/۹۷)، والوسائل (۵۲۹/۳)، و فروع الکافی تألیف ابی جعفر کنینی (۴۹۱/۳).

^۲ الصحیح من سیره الرسول الاعظم (۱۰۱/۳).

چیزهایی است که کلمه اقصی از لحاظ لغوی به معنی دور است و بلاغت قرآن کریم بهترین شاهد و دلیل بر این مدعا است آنجا که می فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ لِئَلْيَبْصُرَ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾﴾ (الإسراء: ۱)

تسبیح و تقدیس خدایی را سزد که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی، از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

اسراء یعنی رفتن در شب خواه این رفتن به صورت افقی باشد یا به صورت عمودی، و اقصی نیز به معنی دور و دوری است؛ پس بیت المقدس بر فرض اینکه مسجدالاقصی باشد، اگر چه از اهل حجاز دور است اما از اهل شام نزدیک است بر این اساس باید مسجدالاقصی از هرجهتی به صورت مساوی از همه مردم دور باشد، و ما با توجه به روایاتی که در این زمینه بیان نمودیم برآن تأکید کردیم که مسجدالاقصی در آسمان چهارم در بیت المعمور قرار دارد!!

۵- الکافی

و در روایت الکافی چنین آمده: به او گفتم: به من خبر رسیده که شما یکی از نامه‌های خدا را می‌دانید که هر شب و روز به وسیله آن به بیت المقدس می‌رسید و به خانه خود باز می‌گردید، گفت: مگر شما بیت المقدس را می‌دانید؟ گفتم من تنها آن بیت المقدسی را می‌شناسم و می‌دانم که در شام قرار دارد؟ گفت: نه بیت المقدس آن نیست، بلکه بیت المقدس همان خانه آل محمد ﷺ می‌باشد؛ به او گفتم: اما آنچه که من تا به امروز شنیده‌ام این است که بیت المقدس همان است (که در قدس قرار دارد)؛ گفت: نه آن محارِب الانبیاء است، و تا فتره و مدت زمان بین عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله بدان حظیره الانبیاء نیز می‌گفتند تا اینکه بلاها از جانب مشرکان و کینه توزی و گرفتاری و خصومت از طرف شیاطین و اهریمنان به بار آمد و تغییر و تحولاتهایی روی داد و آن نامها را نقل نمودند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ظاهر و باطن برای آل محمد آشکار است:

﴿ إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيَّتُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ﴾ النجم: ۲۳^۱
 اینها فقط نامهایی (بی‌محتوی و اسمهایی بی‌مسمی) هستند که شما و پدرانتان (از پیش خود) بر آنها گذاشته‌اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی (بر صحت آنها) نازل نکرده است.

۶- علل الشرایع

و در کتاب علل الشرایع به اسناد از علی بن سالم از پدرش از ثابت بن دینار روایت است:

^۱ الکافی تألیف کلینی (۴۸۱/۱)

((سألت زين العابدين علي بن الحسين بن علي ابن ابي طالب عليه السلام عن الله جل جلاله، هل يوصف بمكان، فقال: تعالى عن ذلك، قلت: فلم اسرى بنبيه عليه السلام الى السماء، قال: ليريه ملكوت السموات، وما فيها من عجائب صنعه و بدايع خلقه...))^۱

از زين العابدين علي ابن حسين ابن ابي طالب عليه السلام پرسيدم كه آيا خداوند جل جلاله مكان دارد؟ گفت: خدا برتر از آن است. گفتم: پس چرا به پيامبرش اسراء نمود و او را به آسمان فرا خواند؟ گفت: براي اينكه ملكوت آسمانها و شگفتيهاي آفرينش و نوآوريهاي خلقت را به او نشان دهد.

۶- المصباح في الادعية و الصلوات و الزيارات

در حاشيه دعای معراج در كتاب ((المصباح في الادعية و الصلوات و الزيارات) تأليف تقی الدین کفعمی چنین آمده: (این دعا دارای ارزش زیاد و جایگاه ویژه‌ای است، امیرالمؤمنین عليه السلام آن را از پيامبر صلى الله عليه وآله روايت نموده كه خلاصه آن چنین است: وقتی كه به آسمان به اسراء برده شدم، پی در پی حجابها را می بریدم تا اینکه هفتاد هزار پرده را قطع و پاره کردم كه مابین هر دو تا پرده به اندازه هفتاد هزار برابر فاصله مشرق و مغرب بود))^۲

^۱ علل الشرايع، تأليف: محمدباويه قمی (۱/۱۶۰) چاپ اول سال ۱۴۰۸هـ-۱۹۸۸م مؤسسه اعلمی در بيروت - لبنان.
^۲ المصباح في الادعية و الصلوات و الزيارات و الاحراز و المعوذات، تأليف تقی الدین ابراهيم بن علی عاملی کفعمی، متوفای سال ۹۰۰هـ كه حسين أعملي آن را تصحيح و آماده چاپ نموده ص ۳۶۳ چاپ دوم سال ۱۴۲۴هـ-۲۰۰۳م، مؤسسه چاپ اعلمی در بيروت لبنان.

۸- تفصیل وسائل الشیعه

محمد پسر حسن حر عاملی متوفای سال ۱۱۰۴هـ در کتاب (تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة) در فصل (وجوب احترام مکه و المدينة و الكوفة و استحباب سكنائها، و الصدقة بها و كثرة الصلاة فيها، و الإتمام سفرًا بها)^۱ روایاتی را ذکر می نماید که به گمان او، همچنانکه (مکه حرم خداوند است، و مدینه حرم پیامبر ﷺ است، کوفه نیز حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را نابود و شکست می دهد)!!

و روایات زیر را نیز آورده است:

از محمد بن علی بن حسین در کتاب (معانی الاخبار) از پدرش، از حسین بن یحی، از احمد بن محمد بن خالد، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از موسی بن ابی بکر، از ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدران و اجدادش روایت نموده که پیامبر ﷺ فرمود: (إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةَ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ:

﴿وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونَ^(۱) وَطُورِ سَيْنِينَ^(۲) وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ^(۳)﴾ التین: ۱ - ۳

سوگند به انجیر و زیتون! و سوگند به طور سینین! و سوگند به این شهر امین (مکه)! خداوند در میان شهرها چهارشهر را بر گزید: (تین: یعنی مدینه، زیتون: یعنی بیت المقدس، و طورسینین: یعنی کوفه، و وهذا البلد الامین: یعنی مکه)^۲ و از ابی جعفر علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

^۱ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تألیف: محمد بن حسن حر عاملی (۳۶۰/۱۴) چاپ اول ۱۴۱۳هـ-۱۹۹۳م، با تحقیق مؤسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث-بیروت، لبنان.

^۲ تفصیل وسائل الشیعه (۳۶۱/۱۴)

﴿وَأَوْرَثَهُمَا إِلَىٰ رَبِّوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٥٠﴾﴾ المؤمنون: ۵۰

و آن دو را به تپه‌ای پناهنده کردیم که آرامش و امنیّت و آب جاری داشت.

ربوة: یعنی کوفه، والقرار: یعنی مسجد والمعین: یعنی فرات)^۱

برتری مسجد کوفه بر سه مسجد ذکر شده. نزد شیعه ها

علاوه بر اینکه مسجد کوفه نزد شیعیان بر مسجد الاقصی برتری دارد، روایاتی هم دارند دال بر اینکه مسجد کوفه بر همه مساجد به جز بیت‌الله تقدم دارد، و مسجد کوفه سرزمینی است که خداوند آن را مبارک نموده!! و قبل از خلقت آدم، عبادتگاه فرشتگان بوده، و بعداً هم عبادتگاه آدم و همه پیامبران و اولیا و صدیقین بوده است!! و وسط آن باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و در روز قیامت مردم در آن حشر می‌شوند!! شگفت آورتر اینکه مسجد کوفه از جمله مسجدهایی است که برای زیارت آن باید بار سفر بست و مهاجرت نمود!!^۲

روایات زیر که در کتابهایشان آمده، این دیدگاه را تأیید می‌کند.

^۱ تفصیل وسائل الشیعه (۳۶۲/۱۴)

^۲ قادیانیها نیز - طائفه‌ای گمراه باطنی هستند - به مقابله و قیام علیه ما شتافته و قادیان هند را مقدس می‌دانند، آنها معتقداند که مسجد الاقصی در بیت المقدس نیست بلکه مسجد میرزا است در قادیان!! در صحیفه فضل قادیانیها شماره ۳ سال ۱۹۳۵ م آمده که) خداوند اینسه مقام را مقدس نموده مکه، مدینه، وقادیان واین سه محل را برای تجلی و ظهور خود بر گزده است(و در شماره ۲۳ نیز چنین آمده (مراد از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که خداوند دور ویر آن را مبارک گردانیده فمسجد قادیان است!!)

شیخ صدوق در کتاب الخصال روایت نموده که (بار سفر تنها برای سه مسجد بسته می شود: مسجد الحرام، مسجد رسول الله ﷺ و مسجد کوفه)^۱

باز شیخ صدوق در کتاب خویش به نام من لا یحضره الفقیه و الخصال، با استناد از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که ایشان گفتند:

(لا تشد الرحال الا لی ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، و مسجد رسول الله ﷺ، و مسجد الکوفة)^۲

سفر و مهاجرت تنها برای زیارت سه مسجد درست است، مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه.

مسجد کوفه^۳ نزد شیعه‌ها دارای جایگاه و ارزش ویژه‌ای است به گونه‌ای که مسجد الاقصی، از آن جایگاه و ارزش برخوردار نیست این به نص احادیث و

^۱ کامل الزیارات، ص ۱۳۷.

^۲ الوسائل (۳/۵۲۵)

^۳ مسجد کوفه را صحابی جلیل القدر سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه پس از جنگ قادسیه در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بنا نهاد؛ اما شگفت موقف شیعه‌ها است در برابر این صحابی که در متاب و روایاتشان او را قارون امت می نامند؛ در مقدمه البرهان، نوشته ابو الحسن عاملی ص ۲۸۰ آمده که: ابوالحسن عامری گفت: سعد بن ابی وقاص قارون این امت است؛ و این چیزی است که از سر باز زدن و تکبر او در عدم بیعت با امیر المؤمنین علی رضی الله عنه نمایان می گردد!!

اما در اینجا چند سرفالی برای ما مطرح است: اگر بانی آن مسجد مرتد بوده پس چرا خلیفه راشد حضرت علی رضی الله عنه اقدام به هدم و ویرانی آن ننمود منگامی که به کوفه منتقل شد در حالی که آن وقت خودش خلیفه و حاکم مسلمانان بود؟! و چرا به پیشوایانشان توصیه می کند که در آن نماز بخوانند در حالی که به گمان آنها سعد بن وقاص، قارون این امت!! مرتد بوده؟! و چرا این همه فضایل و برتری برای مسجدی است که به دستور امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه تأسیس گردیده، مگر جعفر صادق نمی گوید: هر عبادتی که براساس تقوی صورت نگیرد گرد و غبار پراکنده است!!

روایاتی که در کتابهای معتمد و مورد ثقه آنها نوشته شده و از جمله این روایتهای باطل موارد زیر می باشند.

کلینی در کتاب خویش به نام الکافی به استناد از خالد قلانسی روایت می کند که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت: (صلاة فی مسجد الکوفة بالف صلاة)^۱ ادای یک نماز در مسجد کوفه برابر است با هزار نماز در جاهای دیگر!! و از حسان بن مهران روایت شده که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

(مكة حرم الله، و المدينة حرم رسول الله، و الكوفة حرمی لا یريدها جبار بحادثة إلا قصمه الله)^۲

مکه حرم خدا و مدینه حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و کوفه حرم من است و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را شکست و نابود می سازد. و در روایت دیگری چنین آمده:

(إنّ الكوفة حرم الله و حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین و أنّ الصلاة فیها بألف صلاة و الدرهم یألف درهما)^۳

کوفه حرم خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است و یک نماز در آن برابر است با هزار نماز و یک درهم آنجا برابر است با هزار درهم. و در جاهای دیگر نیز چنین آمده است:

^۱ الوسائل (۵۴۷/۳)

^۲ تفصیل وسائل الشیعة (۳۶۰/۱۴)

^۳ کامل الزیارات ص ۷۳-۷۴.

(إنَّ الله حراماً هو مكة و لرسوله حراماً و هو المدينة و لأمير المؤمنين حراماً و هو الكوفة، و لنا حراماً و هو قم^۱ ستدفن فيه امرأة من ولدئی تسمى فاطمة من زارها و جبت له الجنة))^۲

خداوند حرمی دارد که مکه است، و پیامبر ﷺ حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین حرمی دارد که کوفه است و ما هم حرمی داریم که قم می باشد و زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش فاطمه است، هرکس او را زیارت کند بهشت برای او واجب می گردد.

کربلا از کعبه و مسجد الاقصی بر تر است!!

شیعه‌ها اماکنی را مقدس می‌دارند که نه در کتاب خدا و نه در سنت پیامبر ﷺ هیچ گونه قداستی برای آنها ثابت نشده از جمله این اماکن، کربلا است به خصوص قبر حسین علیه السلام، از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

(إذا اردت الحج و لم یتھیأ لک، فأت قبر الحسین فإنها تکتب لک حجة، و إذا اردت العمرة و لم یتھیأ لک، فأت قبر الحسین فإنها تکتب لک عمرة)^۳

هرگاه اراده حج نمودی اما برایت میسر نشد و امکان نداشت، به زیارت قبر حسین برو چرا که با زیارت آن حجی برایت نوشته می‌شود و هرگاه قصد عمره نمودی و

^۱ قم، با ضمه قاف شهری است مشهور و مقدس نزد شیعه‌ها و در ایران قرار دارد، ساکنان آنجا همه شیعه امامیه هستند (نگاه: معجم البلدان: ۳۹۷/۴) و سبب مقدس دانستن قم از نظر شیعه وجود قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام (امام هفتم) آنها در آنجا است، نگاه: عبد الرزاق الحسینی / مشاهد العترة: از ص ۱۶۲ و به بعد.

^۲ بحار الانوار (۲/۱۰۲/۲۶۷)

^۳ وسائل الشیعة (۱۰/۳۳۲)

برایت میسر نشد، باز به زیارت قبر حسین برو زیرا که زیارت قبر او ثواب عمره‌ای را دارد.

و در بحار الانوار می خوانیم:

((إِتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَا حَرَمًا آمِنًا مَبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ أَرْضَ الْكَعْبَةِ وَيَتَّخِذَهَا حَرَمًا بِأَرْبَعَةِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدْسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا، فَمَا زَالَتْ قَبْلَ خَلْقِ اللَّهِ الْخَلْقِ مَقْدَسَةً مَبَارَكَةً وَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّىٰ يَجْعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ أَرْضٍ فِي الْجَنَّةِ، وَأَفْضَلَ مَنْزِلٍ وَمَسْكَنٍ يَسْكُنُ فِيهِ أَوْلِيَاءَهُ فِي الْجَنَّةِ))^۱

خداوند بیست و چهار هزار سال پیش از آنکه سرزمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، سرزمین کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد، و آن را مقدس گردانید و در آن برکت قرار داد، و قبل از خلق خلائق و آفریده‌ها نیز آنجا مقدس و مبارک بوده و همواره مقدس و مبارک باقی خواهد ماند تا اینکه خداوند آنجا را برترین زمین در بهشت قرار می‌دهد و بهترین منزل و مسکنی است که اولیای خود را در بهشت در آن سکونت می‌دهد.

بلکه غلو و افراط، آنها را به این عقیده رسانده که زیارت قبر حسین علیه السلام را بر زیارت و حج بیت‌الله ترجیح می‌دهند از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

(من زار قبر الحسين يوم عرفة كتب الله له الف الف حجة مع القائم عليه السلام و الف الف عمرة مع رسول الله صلى الله عليه وسلم و عتق الف نسمة و حملان الف فرس في سبيل الله و سماه الله عزوجل

^۱ بحار الانوار (۱۰۷/۱۰۱)

عبدی الصدیق، آمن بموعدی، و قالت الملائكة: فلان صدیق زکاه الله من فوق عرشه، و سمنی فی الارض کرویاً^۱

هر کس در روز عرفه قبرحسین را زیارت کند خداوند ثواب هزار هزار حج با امام مهدی و هزار هزار عمره با پیامبر ﷺ را برایش می نویسد، و نیز ثواب آزاد نمودن هزار نفر و بخشش و انفاق به اندازه بار هزار اسب در راه خدا را برایش می نویسد، و خداوند او را بنده صدیق و راستگوی خود می نامد و فرشتگان نیز می گویند: فلان کس راستگو است و خداوند، در بالای عرش او را پاک و تزکیه نموده، و در زمین نیز او را گرامی و ارجمند می نامد.

فضیلت زیارت قبر حسین ﷺ نزد آنها نه اینکه از حج بیشتر است، بلکه افضل و بهترین اعمال است، در روایات آنها آمده که زیارت قبر حسین: (افضل ما یکون من الاعمال) برترین اعمال است، و در روایت دیگری: (من أحب الأعمال زیارت قبر الحسين)^۲ زیارت قبر حسین دوست داشتنی ترین اعمال نزد خداوند است.

مجلسی فصل خاصی را به این موضوع تخصیص داده و مجموعه ای از این روایات را در آن ذکر نموده است.^۳

و شیخ و پیشوایشان فیض کاشانی درحاشیه روایاتی که در باره فضایل زیارت قبر حسین ذکر نموده، می گوید: (این برای کسی که خداوند او را امام و پیشوای مؤمنان قرار داده، و آسمانها و زمین را بخاطر او خلق نموده است، و او را راه، و چشم، و

^۱ وسائل الشیعه (۳۶۰/۱۰)

^۲ کامل الزیارات ص ۱۴۶، بحار الانوار (۴۹/۱۰۱)

^۳ این فصل تحت عنوان: (باب ان زیارتة الطاهرین افضل الاعمال)، بحار الانوار (۴۹/۱۰۱)

دلیل، و دری که از آن وارد می شود، و ریسمانی که خدا و بندگانش از پیامبران و اولیا و صلحا را با هم پیوند داده است - زیاد نیست، تازه علاوه بر اینکه قبر آنها نیز در آنجا قرار دارد مزیت‌های دیگری نیز دارد زیرا در واقع سفر برای زیارت قبر حسین، انفاق اموال، و برآورده نمودن آرزوها، و دوری از وطن، و تحمل مشقت و ناراحتیها، و تجدید عهد و پیمان و حضور در انجام شعایر و ادای مناسک نیز می‌باشد^۱

اینها جزء کمی از فضایل مسجد کوفه و سرزمین کربلا، از نظر شیعه می‌باشد و قسمت اعظم آن‌را به دلیل پرهیز از اطاله کلام، ترک نموده‌ام، و اگر کسی خواهان اطلاعات بیشتری در این زمینه می‌باشد، به کتابهای فقهی امامیه و زیارت نامه‌ها و اخبار آنان مراجعه نماید.

بدون شک، دشمنی و کینه توزی شیعه با بنی امیه، آنها را وادار به ذم و نکوهش و کم ارزش جلوه دادن آنچه که بنی امیه بدان اقدام نمودند مانند تجدید بنای مسجدالاقصی و تعمیر و بازسازی بیت‌المقدس به روشهای جدید، نموده است و این -دشمنی بابنی‌امیه- از بارزترین و مهمترین عواملی بوده که جایگاه مسجدالاقصی را از دیدگاه شیعه کم ارزش نموده است و به اماکن و جاهای دیگر ارزش قایل شوند به گونه‌ای که آن جاها را بیشتر از مسجدالاقصی ارج بنهند و برتریش دهند، تا جایی که غلو و افراط گری آنها به درجه‌ای رسیده که اماکن مقدسه خود را بر سه مسجدی که بار سفر برای زیارت آنها بسته می شود (مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجدالاقصی) ترجیح می‌دهند. و بدین ترتیب به

^۱ الوافی. جلد دوم (۲۲۴/۸)

پاشیدن سمّ در دل اهل سنت و جماعت و توهین به مقدسات آنها و پافشاری و اصرار بر ایجاد شک و گمان در خصوص هرآنچه که در کتاب و سنت راجع به فضایل مسجدالاقصی آمده است، اقدام نموده‌اند!

چگونه بیت‌المقدس از نظر آنها جایگاه و ارزش داشته باشد در حالی که عمر فاروق رضی الله عنه آن را فتح کرده و صلاح‌الدین ایوبی رضی الله عنه آن را آزاد نمود و بدین ترتیب گهواره پرورش علم و علما و تمدن گردید؟!!

با وجود تمام اینها می‌گوییم: موقف علمای شیعه در برابر جایگاه مسجدالاقصی و همچنین مکان آن که در زمین قرار دارد یا در آسمان، جداً با اشکال در روایات و اضطراب در آنها مواجه است. زیرا بعضی از آنها می‌گویند که مسجدالاقصی در فلسطین واقع شده و فضایل آن را نیز بر شمرده‌اند؛ مانند: طوسی در کتاب "الخلاف"، و حلی در کتاب "تحریر الاحکام" و همچنین در کتاب (تذکره الفقهاء، و... اما در هر صورت جمهور علمای شیعه اتفاق نظر دارند بر اینکه مسجد کوفه از مسجدالاقصی برتر و با فضیلت‌تر است.^۱

^۱ با وجود این شایعه می‌کنند که قدس قضیه مهم اساسی آنها است و آنها با مستضعفین و ستم دیدگان هستند، و به گمان خود آنها هستند که جنگ در راه آزاد سازی مسجد الاقصی راهبری می‌کنند!! و برای یاری و کمک به فلسطین روزی را به نام (روز قدس) تخصیص داده و برای آزاد سازی اقصی نیز لشکری را به نام (لشکر قدس) و (سپاه قدس) نام گذاری نموده اند، و شبکه ای را به نام (شبکه قدس) و راهی را به نام (راهی به سوی قدس) - راهی است بین عراق و افغانستان - نام نهاده اند!! و ما نیز پیوسته منتظریم که ببینیم کی خون اسبی را نثار راه فلسطین می‌کنند!!

گفتار شیعیان معاصر در خصوص جایگاه مسجدالاقصی

اقوال و تصریحات شیعیان در خصوص بی ارزش جلوه دادن جایگاه مسجدالاقصی و ارج نهادن و اهمیت بخشیدن به مقدسات خود بگونه‌ای که به هیچ یک از مسجدهایی که دارای اهمیت واقعی هستند و زیارت آنها مورد سفارش پیامبر ﷺ بوده است، اهمیت نداده‌اند. که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

کربلا را قبل از قدس آزاد سازید!!

در سر فصل و تیتریکی از شماره‌های مجله شیعی^۱ به نام (المنبر) که با خط درشت نوشته شده بود: (قبل از قدس، کربلا را آزاد سازید) چنین آمده:

(در واقع کربلا با نص سخنان معصومین مقدس‌ترین و شریف‌ترین جای روی زمین است _ حتی از مکه و مدینه- زیرا ارزش و قداست خود را با در آغوش گرفتن و در خود جای دادن تن مبارک خونبهای خدا و پاره تن رسول الله ﷺ امام ابی عبدالله الحسین علیه السلام، کسی که خون پاکش با ذرات خاک این سرزمین آمیخته شد، بدست آورده و به سبب آن، از شرف و جایگاهی برخوردار شده که جایگاهی بالاتر از آن وجود ندارد، زیرا آنجا کعبه آزادگان و جای تمایل دلها و محبت دوستان و مقصد نیازمندان و فقیران است)).

^۱ مجله المنبر به صورت ماهانه از طرف هیئت خادمان مهدی به مدیریت (یاسر حبیب) و سردبیری یوسف عبدالهادی صادر می‌شد، و چاپ و انتشار این مجله از ماه دسامبر سال ۱۹۹۹م شروع و تا سال ۲۰۰۴م ادامه داشت تا اینکه در همان سال حکومت کویت دستور تعطیل نمودن فعالیت آن هیئت را صادر نمود و دست اندر کاران آن تحویل نایب حکومت گردیدند، ویاسر حبیب به جرم دشنام و بدگوئی اصحاب پیامبر ﷺ در کویت زندانی شد. آدرس انترنتی آنها

این نویسنده می افزاید: (با وجود تمام شرف و ارزشی که قدس از آن برخوردار است باز جایگاه آن پایین تر از جایگاه کربلا است، پس قدس همچون کربلا نیست و حجرالاسود نیز مانند حسین نیست، و مسجد هم مانند حرم نیست... و در واقع مسئله قدس قضیه‌ای اساسی نیست بلکه قضیه‌ی مهم و اساسی، قضیه کربلا است... و ما باید پیش از آزادسازی قدس به فکر آزادی و رهایی کربلا باشیم^۱ و از آنجا به فلسطین برویم و این نور و هدایت را از فلسطین نیز به سایر کشورها منتقل نمایم...

و قبلاً هم برایمان روشن شد که امکان ندارد قدس به دست این امت بازگردد مگر وقتی که امت به سوی محمد ﷺ و علی علیه السلام بازگردند!!^۱
و در ادامه می افزاید: (به سوی محمد ﷺ و علی علیه السلام بازگردید. قدس با مهدی به سوی شما باز می گردد... و پیش از هر چیز کربلا را آزاد سازید سپس به فکر قدس و جاهای دیگر باشید)^۲

فضل و برتری نجف بر قدس. در شعر ابن معصوم!!

ابن معصوم شیعه مذهب اشعار خود را به یاری و نصرت مذهبش تخصیص داده و آشکارا در کتابش به نام (سلافة العصر)^۱، وهنگامی که به زیارت نجف می رود،

^۱ در آن وقت کربلا و قدس تحت سلطه و حاکمیت بعث نظامی بودند، و این مقاله قبل از سقوط بغداد توسط اشغال گران آمریکائی نوشته شده است.

^۲ مجله المنیر، شماره ۲۳، محرم ۱۴۲۳ هـ - مارس ۲۰۰۲ م.

شعری را سروده که در آن، نجف را بر مسجد الاقصی ترجیح و برتری داده و می‌گوید:

یا صاحب هذا المشهد الأقدس	قوت به الأعين والأنفس
والنجف الأشرف بانت لنا	أعلامه والمعهد الأنفس
والقبة البيضاء قد أشرقت	ينجاب عن لآلئها الحنفس
حضرة قدس لم ينل فضلها	لا المسجد الأقصی ولا المقدس

ای صاحب این بارگاه بسیار پاک و مبارک که چشم و دل با آن روشن و بینا می‌گردند.

و ای نجف بزرگوار و شریف آشکار شد برای ما چهره تابناک و مناره‌هایش و جایگاه جانها

و قبه سفید برافروخت و از درخشش‌هایش شب تار روشن شد
قدس بزرگوار و مسجد الاقصای بیت المقدس به پای فضیلت تو نمی‌رسند

آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم‌تر است

(یاسر حبیب) شیعه مذهب کویتی در گزارشی که در لندن پس از حادثه منفجر نمودن قبه سامرا در عراق، ارائه داد. در شرح و تحلیل آن می‌گوید:
حرم عسکری شریف و مقدس غصب شده هنوز هم در دست چپاول گران است و تخریب می‌گردد و ویرانه‌ها بر روی جسد امامان معصوم ما علیهم‌السلام هنوز باقی است اما

^۱ منبع: : سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، تألیف ابن معصوم حسینی؛ متوفای سال ۱۱۱۹ هـ.

کسی نیست که این آثار مخروبه و ویرانه را دور اندازد، این حرم که تا این لحظه هم در دست ناصبیها - اهل سنت - است باید از دست آنها آزاد و بازگردانده شود، اهمیت بازگرداندن این حرم از اهمیت آزاد سازی قدس بیشتر است، آری آزاد سازی آن نزد خدا بزرگتر است!! جسد امام معصوم از قطعه سنگی به نام صخره بسیار ارجمندتر است حتی اگر پیامبر خدا ﷺ هم، روی آن عروج نموده باشد^۱

سامراء و بقیع غرقده نزد شیعه‌ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند

برخی از دعوت‌گران شیعه اهتمام و توجه سیاست‌مداران خود، به قدس را تقیح و مورد نقد قرار داده و آن را از مقاصد و اهداف سیاسی به حساب می‌آورند زیرا جایگاه قدس نزد علمایان آنها جای اختلاف بزرگی است و این واقعیت از شرح و نصوص آنها به وضوح نمایان است... توجه و اهتمام آنها به قدس جنبه سیاسی دارد نه جنبه اعتقادی!!

یاسر حبیب می‌نویسد (مسلمانان باید بیشتر به سرزمین مقدس (سامراء و بقیع غرقده) توجه داشته باشند) زیرا شرف و ارزش آن بسیار زیادتر از جایگاه بیت المقدس است، بلکه اصولاً با هم مقایسه نمی‌شوند، این همه حرکات و احزاب شیعه روی چه اساسی به بیت المقدس اهمیت می‌دهند گویی که مسئله نخست و

^۱ نص و تصویر این گزارش در سایت الحقیقة سایت الحقیقة www.haqeaa.com و همچنین روی سایت (الدفاع عن السنة / wwwd-sunnah.net) موجود است.

مهم ما است؟! نه هرگز چنین نیست! ما اگر چه به قضیه قدس شریف اهمیت می دهیم اما باید بر اساس میزان شرعی اولویت را به قضیه سامرا مقدس و قبرستان غرقد بدهیم و در درجه دوم به قدس و جاهای دیگر توجه داشته باشیم. باید سامرا و قبرستان غرقد را از دست ناصیها آزاد سازیم سپس قدس را از دست یهود رستگار کنیم، بسیار جای تعجب است چرا شیعیان مؤمن از این مسئله غافل اند؟!^۱

کانونهای (یا حسین) کانونهای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه

اقصی

در یکی از کانونهای (یا حسین) روی انترنت سؤالاتی را در خصوص مکان مسجدالاقصی به عنوان موضوعی اختلافی که مورد بحث و مناقشه است، طرح نموده که عنوان آن چنین است: مسجدالاقصی در کجا واقع شده است؟! و شرح سؤال را چنین بیان نموده: آیا بیت المقدسی که هم اکنون در فلسطین است همان مسجدالاقصی است که خداوند در مورد آن می فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ.

لُنُرِيهِ، مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾ الإسراء: ۱

تسبیح و تقدیس خدائی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن

^۱ سایت المیزان: www.mezan.net/vb/archiye/index.php?t-389html

را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نپنهان می‌ماند).

در جواب و مناقشه‌های این سؤال چنین آمده:

یکی از آنها می‌گوید:^۱ (باید ملاحظه نمود، مسجدالاقصایی که در فلسطین واقع است، در روایات اهل بیت اساس و حقیقتی ندارد بلکه مسجدالاقصای واقعی آن است که در آسمان قرار دارد، این شخص ادعا می‌کند که این صخره تنها نزد یهودیها مقدس است، و بسیاری از فضایی که در اصل برای مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام (مسجد کوفه) است. یهودیان آن را تبدیل و تحریف نموده و برای اقصای خود که قبله آنها است، قرار داده‌اند)!!

یکی دیگر از آنها نوشته که ارزش و جایگاه مسجدالاقصی: (از بدعتهای یهود می‌باشد که اهل سنت از آن محافظت و بدان عمل می‌نمایند)!!

یکی دیگر توضیح می‌دهد که: (اهمیت دادن به مسجدالاقصی و حکم شرعی در مورد فلسطین و مقدسات آن بدان خاطر نیست که مسجدالاقصی همان بیت المعمور

^۱ من این شرح و تعلیقها را بدان خاطر ذکر نمی‌کنم که بر اساس آنها حکمی را صادر نمایم بلکه بدین منظور آنها را ذکر نموده‌ام که مردم بدانند آنها در مورد مسجد الاقصی و جایگاه آن چگونه فکر می‌کنند و در تریبونهای آزاد چه چیزهای را در مورد آن مینویسند.

یا بیت المقدس باشد بلکه از این لحاظ است که مرجع تقلید ما، بدان فتوا داده است و مسلم است که تقلید از آن بر ما واجب است و اگر چنانچه مرجع تقلید فتوا دهد و بر ما واجب گرداند که مسئله فلسطین را نگهداری کنیم و اهل آنجا را یاری دهیم و با هر وسیله ممکن از آنها دفاع کنیم، این کار بر ما واجب خواهد شد و چنان خواهیم کرد اگرچه مسجدالاقصی، بیت المقدس هم نباشد و حتی اگر در فلسطین هیچ گونه نشان و علامتی از مکانهای مقدس اسلامی وجود نداشته باشد!!

شرکت کننده‌ای دیگر (در این مناقشه) می نویسد: (اگر بیت المقدسی که در فلسطین قرار دارد تا این درجه اهمیت دارد، چرا اهل بیت علیهم السلام هیچگونه مدح و ستایشی از آن نکرده‌اند بلکه برعکس آنها مسجد کوفه را خیلی از آن مهم تر دانسته‌اند).

یکی دیگر از آنها می نویسد:^۱ (به گواهی شیعه‌های سازش کار بیگانه پرست و گروههای گمراه دیگر^۲ غاصب دوم^۳ مسجد قدس را بنا نهاده است، و در آنجا چوبهای بزرگ و محکمی^۴ وجود دارد که خراب‌الدین ایوبی^۵ روی آن حرفهای مفت و گزاف را می گفته، اما با کمال تأسف کسانی هستند از شیعه‌ها که برای آن ناراحت می شوند و برای آزادی آن فعالیت می کنند و از اینکه یهودیها کنار مسجدالاقصی را حفر می کنند گریه می نمایند).

^۱ آدرس کانون های یاحسین روی شبکه جهانی انترنت: www.yahousei.n.com

^۲ منظورش عمر بن خطاب رضی الله عنه است که به گمان آنها خلافت را از علی بن ابی طالب رضی الله عنه غصب نموده است.

^۳ منظورش خلیفه دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه است.

^۴ منظورش منبر صلاح الدین ایوبی رضی الله عنه است.

^۵ صلاح الدین ایوبی که تمام امت به بزرگواری آن گواهی می دهند، این رافضی کثیف آن را به خراب الدین متهم می نماید در انتقام اینکه ایشان در ریشه کن کردن و برطرف نمودن دولت فاطمیه باطنی نقش مهم و قابل توجهی داشتند.

یکی دیگر در وبلاگ خود نوشته است: (خدا بهتر می داند. اما ظاهراً مسجدالاقصی آن مسجدی نیست که در فلسطین قرار دارد، زیرا اگر آن مسجد چنان اهمیتی می داشت، به طور قطع اهل بیت به ما خبر می دادند و ما را به زیارت آن دستور می دادند چنانکه نسبت به سایر اماکن مقدسه به ما دستور داده اند که به زیارت آنها برویم، و خردمند کسی است که در این مسائل دقت کند تا در شبهات واقع نشود!!)
آری آنها راجع به جایگاه مسجدالاقصی این چنین اعتقادی را دارند که در نوشته ها و تحلیل و مناقشه هایشان آشکار می گردد!!

مسجدالاقصى در نوشته‌های یهود

یهودیه‌ها برای نقض و بی ارزش جلوه دادن مسجدالاقصى از روشهای متعددی استفاده می‌کنند و با اسلوبهای گوناگونی شک و تردید را در خصوص جایگاه و اهمیت آن در دل مسلمانان ایجاد می‌کنند و همواره محققین کینه‌توز یهودی، در مباحث و نوشته‌ها و تحقیقات خود بر این نکته تأکید می‌کنند که قداست شهر قدس با شک و تردید آمیخته است و با روشهای گوناگونی می‌خواهند با حقایق اسلام و مقدسات آن توهین نمایند و از ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان بکاهند.

بارزترین و آشکارترین این تلاشها، تأویل آیه‌های قرآن است که در مورد فضل و ارزش مسجدالاقصى نازل شده‌اند، و همچنین ایجاد شک و تردید در احادیث پیامبر ﷺ که همه علمای اهل سنت بر صحت آنها اجماع و اتفاق دارند.

آنها به گمان خود فکر می‌کنند که مسجدالاقصى در آسمان است!! و مسجد قدس آن نیست که نزد مسلمانان معروف و مشهور است!! و کلمه اقصی بیانگر این است که آن مسجد، مسجدی آسمانی است، و مسجدالاقصى یعنی مسجدبالا!!

آری آنها گم شده خود را در روایات و اقوال و اخباری یافته‌اند که در کتابهای شیعه ذکر شده و مقرر می‌نمایند که، مسجدالاقصى در آسمان است و آن مسجدی که در قدس است تنها نامش مشابه نام آن است!!

اینک بعضی از نوشته‌های آنها که تصریح دارند بر اینکه مسجدالاقصى در آسمان است:

ماده قدس از دیدگاه بوهل

در (دائرة المعارف اسلامی) (encyclopaedia of islam) نوشته یک مرد یهودی به نام (بوهل) Buhl f^۱ در ترجمه و معنای کلمه al -kuds چنین آمده است:

چه بسا پیامبر خدا ﷺ نیز مسجد الاقصی را در آسمان دانسته باشد!! پس از آن ترجیح می دهد که: (شاید پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ هم از همان ابتدا می دانست که مسجد الاقصایی که در آیه کریمه ذکر شده است، مکانی است در آسمان، نه آن مسجدی که بعدها در شهر بیت المقدس ساخته شد)^۲

اسحق حسون

اسحق حسون محقق یهودی و عضو انجمن تحقیقات آسیا و آفریقا در دانشگاه عبریه، در مقدمه تحقیقاتش بر کتاب فضائل بیت المقدس، نوشته: ابی بکر محمد بن احمد واسطی، می گوید: معروف و مشهور است که گروههایی از شیعه هیچ جایگاه و ارزشی برای بیت المقدس قائل نیستند و آن را بر سایر مساجد برتر نمی دانند^۳ و برای اثبات ادعای خود به مجموعه احادیثی استدلال می کند که در کتاب «بحار الانوار مجلسی» و «ینابیع المودة»، نوشته قندوزی آمده اند و در نوشته ای که ضمیمه کتاب آقای حسون است چنین آمده است: علمایان اسلامی اتفاق نظر ندارند بر

^۱ بوهل: مستشرق یهودی ماده قدس را در دائرة المعارف اسلامی نوشته است!!

^۲ کتاب: فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قدیمة، تألیف: دکتر محمود ابراهیم، ص ۴۷، دانشگاه اردن، نشر پژوهشگاه آثار و نوشته های عربی (سازمان تربیت و علوم و فرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال ۱۹۸۵م.

^۳ فضائل بیت المقدس، نوشته ابوبکر واسطی ص ۳۵ با تحقیق اسحق حسون، انجمن پژوهشهای آسیا و آفریقا-دانشگاه عبریه، قدس.

اینکه مسجدالاقصی همان مسجد قدس است، زیرا بعضی از آنها می گویند که آن، مسجدی است در آسمان که دقیق روی قدس یا مکه قرار دارد^۱ و بدین ترتیب می خواهد میان قدس آسمانی و قدس زمینی فرق و تفاوت بیاندازند!!

حوا لاتسروس یافه

(حوا لاتسروس یافه)^۲ مطلبی نوشته که در آن تأکید نموده که باندک تأملی در آیه اول سوره اسراء، روشن می شود که مسجدی که در آن ذکر شده، مسجدی است بسیار دور و آسمانی!! و هرگز منظور، از آن مسجدی نیست که در زمان امویها در قدس بنا نهاده شد!!

لاتسروس نظریه خود را با مقاله‌ای تقویت و استحکام می بخشد که «جوزیف هوروفیتش» آن را در همین موضوع نوشته است و در آن تأکید نموده که مسجد مورد اشاره آیه اول سوره اسراء، مسجدی است که در قدس (آسمان بالا) واقع است، و می گوید: (ما باید اقوال مفسرین قدیم را درک کنیم زیرا آنها اجماع و اتفاق رأی دارند بر اینکه معنی مسجدالاقصی، بیت المقدس است، پس بنابر این رأی، منظور آنها از مسجدالاقصی، قدس بالا و آسمانی بوده اما کلمات و اصطلاحات به مرور زمان دچار اختلاط و دگرگونی و تغیر و تبدیل شده‌اند و از

^۱ فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قدیمة، تألیف دکتور محمود ابراهیم، ص ۴۱.

^۲ (حوا لاتسروس یافه) محقق مستشرق یهودی، متخصص در تحقیقات و پژوهشهای متعلق به تاریخ قدس. که چند مبحثی را به مؤسسه (یستحاق بن تسفی) تقدیم نموده است.

این کلمات چنین تفسیر و برداشت شده که منظور از مسجد الاقصی همان مسجدی است که هم اکنون در قدس موجود است)^۱

یهود الیطانی

نویسنده مشهور «یهود الیطانی»^۲ مقاله‌ای را در (یدیعت اُحرونوت) تحت عنوان (معرکه ذهنیه حول مسجد الاقصی) (جنگ فکری در مورد مسجد الاقصی)، نوشته، و در آن شک نموده که مسجد الاقصای مورد اجماع مسلمانان، همان مسجدی باشد که در قدس واقع است، و این نویسنده می‌افزاید: حقیقت این است که در تفسیرهای اسلامی از مسجد الاقصی چنان بر می‌آید که آن مسجد، در مناطق دیگری، از جمله نزدیکیهای مدینه منوره واقع باشد!^۳

کستر (Kester M.J.)

و همچنین (کستر)^۴ چنین نوشته است: میان مسلمانان جدل و مناقشه شدیدی راجع به افضلیت مسجد الاقصی وجود دارد^۵ و برای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه قدس در میان مسلمانان با تعدادی از احادیث که روایتشان به شیعه نسبت داده می‌شود، استمداد نموده است^۱

^۱ القدس دراسات فی تاریخ المدینه: نوشته: أمنون کوهین، ص ۳۹ چاپ و انتشار (یادیتسحاق بن تسفی)؛

^۲ نویسنده و روزنامه نگار، در روزنامه یدیعت اُحرونوت عبری.

^۳ یدیعت اُحرونوت ۳/۳/۲۰۰۵م

^۴ آکادیمی و محقق یهودی، که در اصل بلژیکی است، او عضو انجمن پژوهشهای آسیا و آفریقا، در دانشگاه عبری در قدس اشغالی می‌باشد، او بحثهای متعددی در زمینه تاریخ قدس دارد که خالی از شک و گمان نسبت به جایگاه مسجد الاقصی نیست، همانند و هم‌دستانش در لشکر پروفیسورهای اجیر شده در دانشگاههای عبری

^۵ فضائل بیت المقدس در نوشته های عبری قدیمی ص ۴۰.

اینها قطره‌ای از دریای نوشته‌هایی است که به قلم یهودیها جهت ایجاد شک و تردید نسبت به برتری و افضلیت بیت المقدس و مسجدالاقصی و اهتمام مسلمانان به آنها، و نیز جایگاه آنها در شریعت اسلامی، به رشته تحریر در آمده، و به همین منظور آنها تأکید دارند که مسجدالاقصی در آسمان است!!^۲

^۱ فضائل بیت المقدس در نوشته های عربی قدیمی ص ۴۰

^۲ برای آگاهی بیشتر در این زمینه به منابع زیر مراجعه نمایید. کتاب: فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قدیمة، نوشته دکتور محمود ابراهیم، دانشگاه اردن، نشر کانون نوشته های عربی (سازمان تربیت و علوم و فرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال ۱۹۸۵م. نیز کتاب: أدب فضائل المدن فی دراسات المستشرقین اليهود (با تحقیق عبداللطیف زکی ابوهاشم، مدیر حوزه اسناد نوشته ها و آثار - غزه، فلسطین. و نیز کتاب: المستشرقون اليهود ومحاولة التهوين منقدسیة القدس ومکانتها فی الاسلام، به قلم دکتور حسن عبداحمد سلوادی، رئیس دانشکده آداب (دانشگاه قدس)) - و کتاب: والقدس دراسات فی تاریخ المدینة، نوشته: پروفیسور آمنون کوهین.

مسجدالاقصى در نوشته های مستشرقین!!؟

خاور شناسان مجموعه قضایائی را نقل و روایت نموده‌اند که به قدس و مسجدالاقصى و جایگاه آنها نزد مسلمانان ارتباط دارد و هدفشان از نقل و روایت این مسایل، استدلال نمودن بدانهاست مبنی بر اینکه شهر قدس جایگاه خاصی را در اسلام نداشته و از لحاظ استراتژی و اداری دارای اهمیت خاصی نبوده است!! که ما به ذکر مشهورترین اقوال و نظریات آنها در این زمینه می پردازیم:

جولد تسیهر

«جولد تسیهر» متولد ۱۸۵۰م و متوفای ۱۹۲۰م خاورشناس مجارستانی- که در اصل یهودی است و به عنوان مهمترین و اساسی ترین مرجع برای بسیاری از یهودیهایی که به تحقیق و نوشتن در مورد قدس و مسجدالاقصى پرداخته‌اند، محسوب می گردد و تألیفاتش نیز به عنوان اصلی ترین مرجع برای خاورشناسان غربی به حساب می آید، او نخستین کسی است که در احادیث و روایاتی که در خصوص فضیلت بیت المقدس و مبارک بودن آنجا، وارد شده است، شک و تردید ایجاد نموده، و او می گوید که «عبد الملک بن مروان» در ایام فتنه و آشوب ابن زبیر، مردم را از حج منع نموده، و او قبة الصخرة را روی مسجدالاقصى بنا نموده تا مردم برای زیارت بدانجا بروند و به جای کعبه، آنرا طواف کنند!!

و همچنین به گمان او، عبدالملک می خواسته که مردم را برای حج و زیارت آن وادار نموده و این کار را از روی اعتقاد دینی انجام داده است و برای این کار

زهري^۱ را بهترين گزينه دانسته تا احاديثي - مانند حديث لا تشد الرحال الا الي ثلاثة مساجد- را برايش جعل کند زيرا زهري آوازه و شهرت مهمی را در میان امت اسلامی داشته است و به گمان او احاديثی که در رابطه با فضایل بیت المقدس هستند تنها از طريق زهري روايت شده‌اند!!^۲

^۱ امام زهري: ابوبکر محمد بن مسلم عبيدالله بن شهاب القرشي الزهري، در سال ۵۱هـ به دنيا آمده است، ايشان یکی از بزرگان تابعی می باشد و به خدمتده نفر از اصحاب رسیده، از جمله انس بن مالک و عبد الله بن عمر و جابر و سهل بن سعد، و در محضر سعيد بن مسيب تلمذ نموده است، امام احمد در مورد او می گوید: زهري از همه مردم بهتر به احاديث و سند احاديث آشنا بود. ابن حجر نیز در کتاب تهذيب التهذيب در مورد او می گوید: {فقيه ابو بکر حافظ مدنی یکی از امام و پيشوايان دام دار و عالم و دانشمند حجاز و شام بود}.

ذهبی نیز در مورد او می گوید: {ايشان امام، حافظ و حجة می باشند و او عالم و دانشمند حجاز و شام بوده زيرا از همه بیشتر آشنا به احاديث و بيشترين روايات را نقل نموده است}. عمرو بن دينار می گوید: {من از زهري بيناتر و آگاه تر به متن و عبارات حدیث را ندیده ام}.

و روايات ائمه و حافظان و علمای جرح و تعديل بر ثقه و امانت و بزرگواری او اتفاق دارند و جز «جولدتسپهر» مستشرق يهودی متعصب، کسی را ندیده ام که در ثقه و امانت و صداقت در احاديث، او را متهم نموده باشد.

و اتهام اینکه احاديث را برای امويها جعل نموده باشد، دروغ محض است؛ ايا معقول است که اصحاب و تابعين و فقهای اسلام و ائمه احاديث در طول سيزده قرن کامل با سخنان ابن شهاب زهري فریب خورده باشند!! و هيچ کس به جعل و تقلبکاری و دروغ پردازی او جهت خوشنودسازی امويها پی نبرده باشد جز جولدتسپهر!! و تنها او بازبرکی و تيز بينی خود بدین نتیجه پی برده باشد؟! !!

^۲ نگاه: السنن و مکاتنها فی التشریح الاسلامی. نوشته شيخ دكتور مصطفى السباعی، ص ۱۸۹-۱۹۹ کتاب خانه اسلامی چاپ چهارم سال ۱۴۰۵هـ-۱۹۸۵م.

ریجیس بلاشیر

خاورشناس فرانسوی «ریجیس بلاشیر»^۱ در کتابش به نام: ترجمه الفاظ قرآن به زبان فرانسوی در مورد آیه:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الإسراء: ۱)

تسبیح و تقدیس خدائی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نپنهان می ماند).

نوشته است: در واقع مسلمانان عصر پیامبر ﷺ یعنی اصحاب کرام ﷺ می دانستند که منظور از مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و اسراء هم یعنی صعود و بالا رفتن در آسمان، اما در عصر امویها تلاشهایی صورت گرفت تا مکه مکرمه را پایتخت اسلام قرار دهند و در نتیجه مسجدالاقصی را مسجد آسمانی ندانند، اما آنجا به شهری در دولت یهودیها قرار گرفت^۲

^۱ «ریجیس بلاشیر» (۱۹۰۰-۱۹۷۳م) از مشهورترین خاورشناسان فرانسوی در قرن بیستم به حساب می آید، و نیز یکی از اعضای مجمع علمی عربی در دمشق می باشد، کتاب ترجمه الفاظ قرآن کریم به زبان فرانسه را در سال ۱۹۵۷ چاپ و منتشر نمود و در سال ۱۹۶۶ م مجدداً آنرا چاپ نمود، این کتاب حاوی بسیاری از خزعبلات و دروغ و مغالطه و افتراء می باشد، و نویسنده تلاش نموده که خوانندگان آن را قانع سازد که قرآن، تألیف و نوشته محمد ﷺ است.

^۲ ریجیس بلاشیر، ترجمه معانی الفاظ قرآن به زبان فرانسوی، ص ۲۰۵

ما خوب می دانیم که یهودیها و مستشرقین این سخنان را از کجا آورده‌اند! و مصادر و منابعی که مورد اعتمادشان است و آنها بدان استدلال می‌کنند مبنی بر اینکه مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و جایگاهش مورد تردید است را از کجا آورده‌اند؟!

خلاصه

یهودیها برای تأیید اقوال و سخنان خود تمام سند و اقوالی که شیعه‌ها برای مخالفت با خلفای بنی‌امیه، و دادن ارزش و جایگاه به مقدسات خود و ترجیح و برتری دادن آن بر جایگاه مسجدالاقصی، از آن استفاده نموده‌اند، مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند.

بدین سبب یهودیها این اتهام و دروغ و افترا را در راستای قطع رابطه فلسطین با مسجدالاقصی مورد بهره‌گیری قرار داده، تا بگویند که قدس هیچ‌گونه جایگاه و ارزش اسلامی ندارد و اصلاً رابطه‌ای بین اسلام و قدس وجود ندارد و مسجدالاقصی در قدس قرار ندارد بلکه آن مسجد در آسمان است.^۱

^۱ منگامی که از شیخ دکتور حسام الدین عفانه استاد فقه و اصول در دانشکده دعوت و اصول دین در دانشگاه قدس - فلسطین - در مورد جایگاه مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها سؤال شد؟ در جواب گفت: خلاصه مطلب این است که شیعه‌ها آنگونه به مسجد الاقصی نمی‌نگرند که سنیها بدان می‌نگرند و مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها از چنان جایگاه و ارزشی برخوردار نیست که سنیها بدان معتقد اند، زیرا مسجدالاقصی از نظر شیعه‌ها در آسمان است حتی بعضی از آنها اقرار می‌نمایند که مسجدی که هم اکنون در فلسطین است و به بیت المقدس معروف و مشهور است، جایگاه و ارزشش از مسجد کوفه کمتر است. البته بدون شک این سخن افترای محض بر دین خدا است زیرا نه در قرآن و نه در سنت پیامبر ﷺ هیچ‌گونه ارزش و جایگاهی برای مسجد کوفه به ثبوت نرسیده است. (مرجع: سایت شیخ دکتور حسام الدین عفانه - موضوع - «یسألونک علی شبکه العالمیة: دئف.

ارزش و جایگاه مسجدالاقصی نزد مسلمانان

پس از ذکر شبهات همه آنهايي که نسبت به جایگاه مسجدالاقصی شک و تردید داشتند، شایسته است که به بیان و توضیح جایگاه آن نزد اهل سنت و جماعت پردازیم که در نتیجه سستی و بی پایگی ادعاهای باطل و بی ارزش آنها ثابت و محرز خواهد شد.

خداوند می فرماید:

﴿بَلْ نَقَدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ. فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا نَصِفُونَ﴾ (۱۸)

﴿الأنبياء: ۱۸﴾

بلکه (ما چنین نمی خواهیم و) حق را به جان باطل می اندازیم، و حق مغز سر باطل را از هم می پاشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می شود. وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می کنید (از بی هدفی جهان، و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می بندید).

بدون شک مسجدالاقصی و بیت المقدس دارای فضایل و برکات فراوانی هستند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ ذکر شده است، و هیچ کسی در آن شک و تردید ندارد مگر کسی که قلبش پر از حقد و کینه است، و مایقین داریم که بیشتر مردم نیازی به یادآوری جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین پاک و مبارک آن ندارد. زیرا اقوال و سخنان آنهايي که شک و تردید را در این زمینه ایجاد می کنند از خانه عنکبوت سست تراند. اما با وجود آن، مناسب می دانیم که خیلی مختصر واقعیهایی را در این رابطه متذکر شویم. و قرآن بهترین اندرز به ما می دهد آنجا که خبر می دهد که نابخردان معترض و روی گردان می شوند وقتی که مسلمانان تغییر قبله

می دهند و از بیت المقدس روی گردان و به مسجد الحرام روی می کنند، و این حقیقت را به پیامبرش یاد داد پیش از آن که به او دستور تغییر قبله بدهد آنجا که می فرماید:

﴿ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ مَا وَكَلْنَاهُمْ عَنْ قِبَلِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ

وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۴۲﴾ البقرة: ۱۴۲

نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خدا است. هر که را بخواهد به راه راست رهبری می نماید.

خداوند در این آیه کسانی که چنین سخنانی را می گویند به نابخرد و سفیه توصیف می نماید زیرا از حکم خدا و شریعت او روی گردان و معترض شده اند، و قول

خداوند که می فرماید ﴿ السُّفَهَاءُ ﴾ کافی است برای رد و بی ارزشی سخن آنها، اما با وجود آن، خداوند این شبهه را ترک نکرده بلکه آنرا برطرف نموده و حقیقت را برای آنهایی که به چنین اعتراضی مواجه می شوند کشف و برملا می سازد و

می فرماید: ﴿ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ﴾ یعنی: ای محمد! آنها را جواب ده و بگو: مشرق و مغرب و تمام جهات ملک خدا و از آن خدا ﷻ است.

اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجد الاقصی

برای اینکه اهداف و موضعگیری ما در برابر جایگاه مسجد الاقصی برای مردم و همچنین برای کسانی که شک و شبهه ایجاد می کنند، واضح و روشن باشد، اسناد و

مدارک خود را در مورد جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین صاف و پاک اسری را به تفصیل نقل می‌کنیم تا خطوط و نقشه‌ها روشن و حقایق و واقعیتها آشکار و واضح گردند. و اینک بیان آنها:

□ مسجدالاقصی و سرزمین مقدس نامشان در آیات متعددی در کتاب خدا ذکر شده است و تمام مفسرین بر فضیلت و برتری مسجدالاقصی اتفاق نظر دارند. و برای اثبات قول خود تنها به آیه اول سوره اسراء که در رابطه با جایگاه قدس و مسجدالاقصی است، اکتفا نموده‌اند بلکه علاوه بر آن - که هیچ گونه اختلافی در آن نیست، آیات دیگری را نیز جمع نموده و بدانها استدلال می‌نمایند:

﴿سُبْحٰنَ الَّذِیْٓ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِی

بَرَکْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیْهُ مِنْ ءَایٰتِنَا اِنَّهٗ هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ ﴿۱﴾ الإسراء: ۱

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

- ﴿ وَجَعَلْنَاهُ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧٨﴾ ﴾ الأنبياء: ٧١
و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسپل داشتيم که (از
لحاظ مادی و معنوی) پر خير و برکتش برای جهانيان کرده ایم.

- ﴿ وَاسْلِمْنَا مِنَ الرِّيحِ عاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمِينَ ﴿٨١﴾ ﴾ الأنبياء: ٨١

ما باد تند و سريع را فرمانبردار سليمان کرده بوديم تا به فرمان او به سوی سرزمینی
حرکت کند که پرخير و برکتش ساخته بوديم. و (این، جای شگفت نیست، چرا که) ما
بر هر چیزی آگاه و دانا بوده (و هستيم).

- ﴿ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظُهْرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ
سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾ ﴾ سبأ: ١٨

میان آنان و شهرهای دیگری که پر برکت و نعمت کرده بوديم، شهرکها و روستاهائی
ساخته و پرداخته بوديم که (از یکی، دیگری) نمایان بود، و در میان آنها فاصله‌های
مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بوديم (به گونه‌ای که امنیت برقرار بود و نیازی هم
به حمل آب و توشه سفر دیده نمی‌شد. توسط انبياء بدیشان پیام داديم که) شبها و
روزها در امن و امان در آن جاها سیر و سفر کنند (و از حق منحرف نشوند و به یاد
الطاف خدا باشند و پرستش او را فراموش ننمایند).

- ﴿ وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾ ﴾ التين: ١ - ٣
سوگند به انجیر و زيتون! و سوگند به طور سينين! و سوگند به این شهر امين
(مکه)!

بعضی از مفسرین می گویند: منظور از تین: بلاد و سر زمین شام؛ و مقصود از زیتون: بیت المقدس است.

﴿ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴾ البقرة: ۵۸

و (به یاد آورید) آن گاه را که گفتیم: به این شهر (بزرگی که پیغمبرتان موسی برایتان نام برده است) وارد شوید و هرگونه که می خواهید و هر چه که لازم دارید فراوان و آسوده بخورید و از دروازه (آن شهر) با خشوع و خضوع وارد شوید و بگوئید: خدایا ! از گناهان ما درگذر، تا گناهان شما را بیامرزیم. ما به نیکوکاران (از عفو و مغفرت) فزونتر می بخشیم.

﴿ يَنْقُومِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا

خَاسِرِينَ ﴾ المائدة: ۲۱

ای قوم من! به سرزمین مقدسی وارد شوید که خداوند دخول بدانجا را برای شما مقدر کرده است، و (در برابر دشمن سرسختی که در آنجا بسر می برد پای به فرار نگذارید و) پشت مکنید، تا زیانکارانه برنگردید (و یاری و خوشنودی خدا را از دست ندهید).

□ مسجدالاقصی دومین مسجدی است که پس از مسجد الحرام، روی زمین بنا شده

است.

عن ابی ذر رضی الله عنه قال: (قلت یارسول الله صلی الله علیه و آله ایّ مسجد وضع فی الارض أوّل؟ قال: المسجد الحرام. قلت: ثم ایّ؟ قال: المسجد الاقصی قلت: کم کان بینهما؟ قال: أربعون سنة، ثم اینما ادرکتک الصلاة بعد فصله فأنت الفضل فیه))^۱

از ابی ذر رضی الله عنه روایت شده است که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجد الحرام است. گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجد الاقصی. گفتم چقدر فاصله زمانی باهم داشتند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود هرگاه وقت نماز فرا رسید آن رابخوان که فضیلت در آن است.

□ مسجد الاقصی و دور برش دارای برکت هستند زیرا در سرزمینی واقع شده است که خداوند آن سرزمین را پر برکت نموده است. چنانکه می فرماید:

﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي

بَنَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾ الإسراء: ۱

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه

^۱ - روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۳۶۶ صحیح بخاری - چاپ دارالسلام در ریاض - و چاپ دوم ذی الحجة ۱۴۱۹ هـ - مارس ۱۹۹۹ م.

گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

در مورد آن گفته شده که اگر مسجد الاقصی، جز این آیه هیچ فضیلت دیگری نمی‌داشت، باز برایش کافی بود، چرا که این آیه جامع تمام برکتها می‌باشد زیرا وقتی که دور و برش مبارک باشد، مسلم است که خود آن چندین برابر مبارک و برتر است، و از برکتهای آن، این است که بر همه مسجدها به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبر ﷺ برتری دارد.

□ مسجد الاقصی نخستین قبله مسلمانان است،

(عن براء بن عازب رضی الله عنه قال کان رسول الله ﷺ صَلَّى نَحْوَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ سِتَّةَ عَشْرٍ أَوْ سَبْعَةَ عَشْرَ شَهْرًا، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحِبُّ أَنْ يُوَجَّهَ إِلَى الْكَعْبَةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ ﴿قَدْ زَرَى تَقَلُّبُ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا﴾ البقرة: ۱۴۴ فتوجه نحو الكعبة)^۱

از براء بن عازب روایت شده که: پیامبر خدا ﷺ حدود شانزده یا هفده ماه رو به بیت المقدس نماز می‌خواند، و ایشان بسیار دوست داشتند که رو به کعبه نماز بخوانند تا اینکه خداوند آیه فوق را نازل فرمود، که از آن پس رو به کعبه نمود.

تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، از جایگاه کعبه نکاست، بلکه ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان و در شریعت اسلام، همچنان باقی ماند.

^۱ روایت از بخاری، حدیث شماره ۳۹۹ صحیح بخاری - چاپ دارالسلام در ریاض.

مسجدالاقصى جایی است که اسراء پیامبر ﷺ از نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است به سوی دومین مسجد روی زمین از آنجا شروع شد، پس مسجدالاقصى از فضیلت و شرف دو مسجد برخوردار است:

(عن انس بن مالك، ان رسول الله ﷺ قال: «أُتيتُ بالبراق - وهو دابة ابيض طويل فوق الحمار و دون البغل يضع حافره عند منتهى طرفه - قال فركبته حتى أتيت بيت المقدس - قال - فربطته بالحلقة التي يربط به الانبياء - قال: ثم دخلت المسجد فصليت فيه ركعتين ثم خرجت فجاءني جبريل النجى ايلاناً من خمرٍ و إناءٍ من لبنٍ فاخترت اللبن فقال جبريل ﷺ اخترت الفطرة ثم عرج بنا الى السماء.)^۱

از انس بن مالك روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: براق برایم آورده شد - براق حیوانی سفید رنگ و قدرتمندی است که از الاغ بزرگتر و از قاطر کوچک تر است - سوار آن شدم تا به بیت المقدس رسیدم، آنگاه آن را با حلقه‌ای بستم که پیامبران (حیوان سواری) خود را بدان می بستند، سپس داخل مسجد شدم و دو رکعت نماز در آن خواندم و بیرون رفتم، آنگاه جبرئیل پیمانهای شراب و پیمانهای شیر را برایم آورد که من شیر را انتخاب نمودم و جبرئیل فرمود بهترین و پاکترین را انتخاب نمودی، سپس مرا به آسمان بردند.

مسجدالاقصى: تنها جایی است روی زمین که تمام پیامبران علیهم السلام، از آدم تا حضرت محمد ﷺ در بزرگترین گردهمایی تاریخ در آن گرد آمده و پیامبر ما حضرت محمد ﷺ در شب اسراء و معراج برای همه پیامبران امامت و پیشنمازی نمود، تا اقرار و اثباتی بر اسلامی بودن و صبغه اسلامی داشتن آن باشد. و همچنین برای اینکه

^۱ روایت از مسلم، حدیث شماره ۲۵۹، صحیح مسلم - چاپ دار السلام در ریاض و چاپ دوم در ماه محرم ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م.

امامت و پیشوایی بر مسجدالاقصی را از آن امت محمد اعلام نماید، و نیز اعلان اینکه خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ وارث همه مقدسات آنها، و رسالتش شامل و دربرگیرنده تمام مقدسات آنان، و دین اسلام مورث همه ادیان گذشته می باشد. و پیامبران در هیچ جای دنیا گرد نیامده اند جز در این مکان، پس مسجدالاقصی از برتری و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روی المسلم عن ابی هريرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ «لقد رأيتني في الحجر وقریش تسألني عن مسرای فسألتنی عن أشياء من بیت المقدس لم أثبتها، فكُربت كُربة ماكربت مثله قط قال فرفعه الله لي انظر اليه ما يسئلوني عن شيء الا أنبأتهم به وقد رأيتني في جماعة من الانبياء فإذا موسى عليه السلام قائم يصلي فإذا رجل ضرب جعداً كأنه من رجال شنوءة وإذا عيسى ابن مريم عليه السلام قائم يصلي اقرب الناس به شبيهاً عروة بن مسعود الثقفي وإذا ابراهيم عليه السلام قائم يصلي أشبه الناس به صاحبكم - یعنی نفسه - فحانت الصلاة فأمتهم فلما فرغت من الصلاة قال قائل يا محمد هذا مالك صاحب النار فسلم عليه. فالتفت اليه فبدأني بالسَّلام»^۱

^۱ روایت از مسلم، حدیث شماره ۲۷۸، صحیح مسلم - چاپ دارالسلام.

امام مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت نموده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خود را در حجر دیدم و قریشیها در مورد مسیر اسراء و شب روی من، و نیز در مورد چیزهایی از بیت المقدس سؤال می نمودند که تا آن وقت چنین چیزهایی را نشنیده بودم، بسیار برایم ناراحت کننده و ناخوشایند بود به گونه ای که هرگز آن قدر نگران نشده بودم، خداوند مرا بلند نمود و تمام چیزهایی که از من می پرسیدند را دیدم و هر چیزی را که از من می پرسیدند آن را جواب می دادم، ناگهان خود را در میان گروهی از پیامبران یافتم، دیدم که موسی در انتظار نماز است او مردی خسته و مو فرفری و چین چین شده بود گوئی که از مردان بیزار و متنفر است. ناگاه عیسی بن مریم علیه السلام را دیدم که ایستاده نماز می خواند، که عروه بن مسعود ثقفی از همه کس بیشتر به او شباهت داشت. بعد ابراهیم علیه السلام را دیدم که او نیز ایستاده و نماز می خواند و شبیه ترین کس به او، یار و صاحب شما- یعنی خود حضرت محمد- بود، وقت نماز فرا رسید و من برایشان امامت نمودم، وقتی که از نماز فارغ شدم کسی ندا داد، ای محمد! این شخص مالک و صاحب آتش است بر او سلام کن، پس به سوی او توجه و التفات نمودم اما او از من پیشی گرفت و سلام کرد.

مسجدالاقصی: جایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ستوده و بر فضیلت و شأن آن گواهی داده و خبر داده که دلهای مسلمانان بدان متعلق است زیرا او دارای رتبه ای است که مسلمان دوست دارد جای کوچکی را داشته باشد و از آن به مسجدالاقصی بنگرد و آنرا ببیند و این مکان از نظر او دوست داشتنی تر است از همه دنیا و آنچه در آن است

عن ابی ذر رضی الله عنه قال «تذاکرنا عند رسول الله ﷺ أتیها افضل: أمسجد رسول الله أم بیت المقدس؟ فقال رسول الله ﷺ صلاة فی مسجدی افضل من اربع صلوات فیہ، و لنعم المصلی هو، و لیوشکن أن یكون للرجل مثل شطن فرسه من الارض حیث یری منه بیت المقدس خیر له من الدنیا جمیعاً. او قال خیر من الدنیا و ما فیها»^۱

از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که گفت: پیش پیامبر خدا ﷺ در مورد مسجد پیامبر و مسجد الاقصی بحث و گفتگو می کردیم که کدام یک از آنها بزرگتر است، مسجد پیامبر یا بیت المقدس؟ پیامبر ﷺ فرمود: یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آن جا (بیت المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. -و در روایت دیگر- بهتر است از دنیا و آنچه در آن است. مسجد الاقصی جایی است که پیامبر خدا ﷺ مژده فتحش را پیش از آن که فتح شود، داده بود. و آن مژده از جانب پیامبر ﷺ از نشانه های نبوت می باشد.

عن عوف بن مالک، قال أتیت النبی ﷺ فی غزوة تبوک، و هو فی قبة من آدم فقال: «اعدد ستاً بین یدی الساعة؛- ذکر منها- ثم فتح بیت المقدس...»^۲

از عوف بن مالک روایت شده که گفت: در غزوه تبوک پیش پیامبر خدا ﷺ رفتم در حالی که ایشان در گنبدی چرمی نشسته بودند فرمود: شش چیز را از نشانه های قیامت می باشند؛ آنها را ذکر نمود و یکی از آنها فتح مکه بود. مسجد الاقصی سنگر گروه پیروز و تهِ خانه مؤمنان است.

^۱ حاکم آن را خارج نموده و آن را صحیح دانسته است. ذهبی و آلبانی نیز با او موافق بودند.

^۲ روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۱۷۶ فصیح بخاری - چاپدار السلام - ریاض.

عن عمران بن حصین، قال: قال رسول الله ﷺ «لاتزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق ظاهرين علی من ناوأهم حتی یقاتل آخرهم المسيح الدجال»^۱

همواره گروهی از امت من جهاد و در برابر دشمنان پایداری و ایستادگی می‌کنند و در راستای آشکار نمودن و حمایت از آرمانهای دین مبارزه می‌کنند تا آخرین نفر از آنها مسیح دجال را می‌کشد.

و معلوم و مشخص است که عیسی بن مریم، مسیح دجال را در باب لد در فلسطین می‌یابد و آن را به قتل می‌رساند.

مسجد الاقصی: و بیت المقدس سرزمینی هستند که بندگان در آنجا حشر و نشر می‌گردند. از میمونه بنت سعد کنیز پیامبر ﷺ روایت است که از پیامبر خدا ﷺ پرسید: ای پیامبر! در مورد بیت المقدس برایمان صحبت کن. پیامبر ﷺ فرمود: «أرض المحشر والمنشر»^۲ یعنی آنجا سرزمین حشر و گردهمایی خلائق است.

مسجد الاقصی پناهگاه و سنگر مؤمنان در برابر دجال است و دجال وارد آن نمی‌شود.

قال رسول الله ﷺ عن الدجال «... علامته یمکث فی الارض اربعین صباحاً یبلغ سلطانه کل منهل لایاتی اربعة مساجد الکعبة و مسجد الرسول و المسجد الاقصی و الطور...»^۳

^۱ احمد، وابو داود، وحاکم، وطبرانی در کتاب: الکبیر "آن را خارج نموده و آلبانی هم آنرا صحیح دانسته و در صحیح خود آنرا آورده است. حدیث شماره: ۲۴۸۴، در فصل باب فی دوام الجهاد سنن ابو داود انتشارات کتابخانه معارف در ریاض، چاپ اول.

^۲ احمد و ابن ماجه این حدیث را خارج نموده اندو آلبانی هم در کتاب "تخریج أحادیث فضائل الشام ودمشق، تألیف ربیع. آن را صحیح دانسته است.

^۳ امام احمد این حدیث را تخریج نموده. حدیث شماره: ۲۴۰۸۵، ۲۴۰۸۴، ۲۴۰۸۳، ۲۳۴۷۸، و سند آن با شرط شیخین صحیح می‌باشد، مسند امام احمد، چاپ: بیت الافکار الدولية: ۲۰۰۴م.

پیامبر ﷺ در مورد دجال فرمود: نشانه آن این است که چهل صباحی (چهل روز) در زمین می ماند که سلطه و قدرتش همه آبشخور و چشمه ها را فرا می گیرد جز چهار مسجد که دجال نمی تواند داخل آنها شود کعبه، و مسجد پیامبر ﷺ، و مسجد الاقصی، و طور.

مسجد الاقصی جایی است که بار سفر برای زیارت آن بر بسته می شود و علما اتفاق دارند بر اینکه زیارت بیت المقدس و خواندن نماز در آن سنت است. و درست نیست که برای زیارت سفر نمود جز سه مسجد که مسجد الاقصی یکی از آنها است. و آن سه مسجد فضل و برتری را بر دیگر مساجد دارند، در صحیحین از ابو هریره روایت شده که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

« لا تُشَدُّ الرحالُ الا إلى ثلاثة مساجد المسجد الحرام، و مسجد الرسول ﷺ، و مسجد الاقصی »^۱

بار سفر بر بسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد. مسجد الحرام، مسجد پیامبر ﷺ و مسجد الاقصی.

به همین جهت بسیاری از اصحاب برای نماز در مسجد الاقصی بدانجا سفر نموده اند، و پس از آنها نیز سلف صالح و گذشتگان خداجو رضی الله عنه آنهايي که مسجد الاقصی را با حلقه های علم و طالبان آن، آباد نموده اند.

نووی رحمته الله می گوید: این حدیث بیانگر عظمت و شکوه و فضیلت این سه مسجد و امتیاز و برتری آنها بر دیگر مساجد است زیرا آنها مساجد پیامبران رضی الله عنهم بوده اند. و نماز در آنها ثواب بیشتری دارد و سفر برای زیارت آنها فضیلت دارد. و نزد جمهور

^۱ بخاری این حدیث را روایت کرده است، حدیث شماره: ۱۱۸۹، صحیح بخاری: چاپخانه: دارالسلام، ریاض.

علما سفر به سوی غیر این مساجد فضیلت و اهمیت ندارد، و شیخ ابومحمد جوینی از یاران ما، می گوید: سفر برای زیارت هر جایی جز این سه مسجد حرام است.^۱ و حافظ می گوید: این حدیث بیانگر فضیلت این سه مسجد و مزیت آنها بر سایر مسجدها می باشد زیرا این سه مسجد، مسجد پیامبران بوده اند زیرا مسجد اول (مسجد الحرام) نخستین قبله مردم و محل حج مسلمانان بوده است. و مسجد دوم (مسجد النبی) قبله امتهای پیشین بوده است و سومی (مسجد الاقصی) بر تقوی بنا نهاده شده است.^۲

و از شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد حکم زیارت بیت المقدس و نماز در آن، سؤال شد. ایشان فرمودند: در صحیحین آمده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: بار سفر بر بسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد. این حدیث در صحیحین از ابی سعید و ابی هریره و از کسان دیگری نیز روایت شده است. و درجه این حدیث، مستفیض و مورد قبول و تصدیق است. و اهل علم بر صحت و مقبولیت آن اجماع و اتفاق دارند و همه علما، سفر به بیت المقدس و ادای عبادات مشروع در آنجا را سنت دانسته اند، و ابن عمر (عبدالله بن عمر) بدانجا می رفت و در آن نماز می خواند.^۳ مسجد الاقصی: ثواب نماز در آن چندین برابر جاهای دیگر است. از ابو ذر روایت است که گفت: نزد پیامبر خدا ﷺ بودیم و در مورد مسجد پیامبر و بیت المقدس بحث می کردیم که کدام یک از آنها برتر است؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود:

^۱ المنهاج: شرح صحیح مسلم.

^۲ الفتح (۶۰۳/۳)

^۳ مجموع فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه (۲۷/۶) چاپ دوم سال ۱۳۹۸ هـ - تهیه و تنظیم: عبدالرحمن نجدی حنبلی.

« صلاة في مسجدي أفضل من اربع صلوات فيه، و لنعم المصلی هو، و لیوشکن أن یكون للرجل مثل شطن فرسه من الارض حیث یری منه بیت المقدس خیرله من الدنیا جمیعاً. او قال خیر من الدنیا وما فیها»^۱

یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آنجا (بیت المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. - و در روایت دیگر- بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

مسجد الاقصی: نماز در آن دارای فضیلت بزرگی است. نسائی از عبدالله بن عمرو بن عاص از پیامبر خدا ﷺ روایت نموده که فرمود: وقتی که سلیمان از بنای بیت المقدس فارغ شد سه چیز را از خدا درخواست نمود: قدرت و حکمی که بر اساس حکم خدا باشد، سلطه و قدرتی که پس از او به کسی داده نشده باشد، و اینکه هر کس داخل این مسجد شود تنها به قصد خواندن نماز در آن، از گناهانش پاک شود همچون روزی که از مادرش متولد شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «أما اثنان فقد اعطیها، و ارجو أن یكون أعطی الثالثة»^۲ دو تای اولیش به من داده شده اما از خدا می خواهم که سومی را نیز به من بدهد.

مسجد الاقصی: و قدس و فلسطین از روز ازل، پاک و مقدس بوده اند. خداوند می فرماید:

^۱ حاکم این حدیث را خارج نموده و آن را تصحیح نموده و ذهبی نیز با او موافق بوده. و آلبانی هم آن را صحیح دانسته است.

^۲ این حدیث را نسائی وابن ماجه روایت نموده اند، حدیث شماره ۱۴۰۸، سنن نسائی انتشارات مکتبة المعارف در ریاض چاپ اول.

﴿ يَنْقَوْمُوا ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ ﴾ (۲۱) المائدة: ۲۱

ای قوم من! به سرزمین مقدسی وارد شوید که. و این آیه خطاب موسی علیه السلام به قومش بود، قبل از اقامت بنی اسرائیل در فلسطین، و پیش از انبیاء بنی اسرائیل، آنهای که یهود فکر می کرد که وارث آنها است. و خداوند در مورد ابراهیم و لوط می فرماید:

﴿ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴾ (۷۱) الأنبياء: ۷۱

و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسپیل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پرخیر و برکتش برای جهانیان کرده ایم.

و آن برکت قبل از ابراهیم علیه السلام نیز در آنجا وجود داشت. به همین جهت یبوسیه^۱ در کنار و حوالی آن سکونت گزیدند نه در داخل آن زیرا داخل آنجا محل عبادت بود نه سکونت.

مسجدالاقصی: تعداد زیادی از اصحاب رضی الله عنهم داخل آن شدند. و از مناطق دور به قصد زیارت یا سکونت و یا وعظ و ارشاد بدانجا سفر نموده اند از جمله ابو عبیده بن جراح، که در فتح شام فرمانده لشکر بود، و بلال بن رباح، که در فتح بیت المقدس همراه لشکر عمر بن خطاب رضی الله عنه بود و در مسجدالاقصی اذان داد، و معاذ بن جبل، که ابو عبیده پس از فوت خود او را به جانشینی منصوب نمود، و خالد بن ولید، شمشیر از غلاف کشیده خدومه در فتح بیت المقدس حضور داشت، و عباده بن صامت نخستین کسی که به امر قضاوت در فلسطین منصوب شد و در آنجا

^۱ یبوسیه گروهی از اعراب نخستین بودند که در قلب جزیره العرب پیدا شدند و نشأت گرفتند سپس همراه چند قبیله از کنعانیایی که خود را به آنجا نسبت می دادند از آنجا به قدس مهاجرت نمودند، و آنها نخستین کسانی بودند که در قدس ساکن شدند و در آنجا خانه ساختند.

سکونت گزید و در همان جا دفن گردید، تمیم بن اوس داری، عبدالله بن سلام که وارد بیت المقدس شد و در فتح آن نیز حضور داشت از کسانی است که مژده بهشت به او داده شده، و همچنین تعداد زیاد دیگری از اصحاب که بدانجا سفر نموده‌اند.^۱

مسجد الاقصی: خاکش از هر سرزمینی که مسلمانان آن را فتح نموده‌اند جدا و متمایز است زیرا آنجا تنها شهری است که خلیفه راشد عمر بن خطاب رضی الله عنه شخصا برای فتح و تحویل گرفتن کلیدهایش از مدینه خارج شده و در محوطه مسجد الاقصی پس از آنکه خداوند فتح بیت المقدس را برای مسلمانان آسان نمود، مصالایی را- در سال ۱۵هـ- بنا کرد، و زمینهای پر برکتش را وقف نمود تا امانتی باشد در گردن امت تا روز قیامت.

مسجد الاقصی: جایی است که اتباع و پیروان محمد صلی الله علیه و آله جان خود را جهت طرد و دور انداختن رومیها و صلیبیها در آن نثار نمودند و نه بار حمله صلیبیها بدانجا را با فرماندهی نورالدین محمود زنکی، و صلاح الدین ایوبی رضی الله عنه و دیگر حاکمان مسلمان و فرماندهانی که فرماندهی مجاهدین را به عهده داشتند، خنثی نمودند تا اینکه پس از ۹۱ سال غصب و اشغال بیت المقدس، آن را از چنگال غاصبین آزاد نمودند، زیرا ارزش و جایگاه اقصی و قدس در دلها بسیار بزرگ است، و آنجا سرزمین پاک و مبارک مسلمانان است، و این از اعتقادات ما است، و هرگز دشمن نخواهد توانست

^۱ برای آگاهی بیشتر در مورد نام کسانی که به مقصد بیت المقدس سفر نموده اند به کتاب: مثير الغرام الى زیارت القدس والشام، وهمچنین کتاب: الانس الجلیل بتاريخ القدس والخلیل. مراجعه نمایید.

محبت آن را در دلها برکند هر اندازه تلاش کند و به دروغ پردازی و شایعه پراکنسی بپردازد.

مسجدالاقصی: همواره محل و جای اهتمام علمای اسلامی بوده، و آنچه که علمایان اسلامی در قرون اول و قرنهای بعدی در زمینه فضائل مسجدالاقصی نوشته‌اند، بر جایگاه و اهمیت آنجا دلالت دارد، که این نوشته‌ها هنوز هم مورد تحقیق و تدریس هستند بگونه‌ای که هیچ شهر دیگری تا این اندازه رنگ و رو و صبغه و وجهه جهانی نداشته است، اهتمام و توجه سلف صالح و علمای اعلام به مسجدالاقصی و سرزمین مبارک واضح و آشکار است، و کثرت تألیفات و نوشته‌هایی که در زمینه فضائل قدس و بیت‌المقدس، و مسجدالاقصی نوشته‌اند و همچنین تشویق و ترهیبهایی که برای زیارت آنجا نموده‌اند دال بر این واقعیت است.

ما هر اندازه در مورد فضایل مسجدالاقصی بحث کنیم نخواهیم توانست حق مطلب را ادا کنیم و آنگونه که خداوند آنرا تعریف نموده است، آن را بستاییم چنانکه می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي

بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾ الإسراء: ۱

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو

بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

اگر مسجدالاقصی هیچ فضیلتی نمی‌داشت جز این آیه که در شأن آن نازل شده است برای بیان فضیلت و ارزشش کافی بود زیرا وقتی که حوالی و دور و برش مبارک باشد مسلم است که خود آنجا از فضیلت و برکات بیشتری برخوردار است. و یکی از فضایلش این است که بر سایر مساجد به جز مسجد پیامبر ﷺ و مسجدالحرام، برتری داده شده است.

و در پایان می‌پرسیم

چگونه مسجدالاقصی در آسمان است در حالی که پیامبر ﷺ مژده فتح آن را داده است، و فضیلت آن را با جمله «ولنعم المصلی هو» - بهترین جای نماز آنجا است - بیان می‌دارد؟!!

چگونه در آسمان است؟! در حالی که خداوند دوروبر آن را پر برکت نموده است، و لفظ برکت را هفت بار در قرآن برای سرزمین فلسطین یعنی سرزمین بیت المقدس به کار برده است، و آیا همه آسمان مبارک نیست؟!!

چگونه در آسمان است؟! و حال آنکه پیامبر ﷺ در جواب اصحاب، آنگاه که در مورد فضیلت و برتری مسجد پیامبر و بیت المقدس سؤال نمودند، فرمود: «صلاة فی مسجدی هذا بأربع صلوات فیه» یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در آن ثواب دارد؟!!

چگونه در آسمان است در حالی که نماز در آن اجر و ثوابش برای مسلمانان چندین برابر است، و به همین جهت، اصحاب کرام برای زیارت و ادای نماز در آن بار سفر بر بسته و فرسنگها راه را طی نموده تا به آن اجر و ثواب نائل شوند! مگر نه این است که آن جا مقام و محل نسل پیروز و قعر خانه ایمان داران، و سرزمین حشر و نشر است؟!!

چگونه در آسمان است!! و حال آنکه دژ و قلعه پیامبران و محل دعوت مردم به سوی توحید و یکتاپرستی بوده است؟! و پیامبر عظیم الشان ما حضرت محمد ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد و از آنجا به بلندای آسمان سفر نمود! و همچنین پیامبر راستگو و امین به ما خبر داده که: «أَنَّ الدَّجَالَ لَنْ يَدْخُلَهُ وَ فِيهِ يَتَحَصَّنُ الْمُؤْمِنُونَ» - دجال داخل آن نمی شود و مؤمنان در آنجا خود را پناه می دهند؟!!

چگونه در آسمان است؟! در حالی که در حدیث ثابت و قطعی شده که آنجا نخستین مسجدی است که پس از مسجد الحرام، در روی زمین بنا شده؟ چنانکه ابوذر رضی الله عنه می فرماید: «قلت يا رسول الله ﷺ ائى مسجد وضع فى الارض اوّل؟ قال: المسجد الحرام. قال: قلت: ثمّ ائى؟ قال: المسجد الاقصى قلت: كم كان بينهما؟ قال: اربعون سنة ثمّ أينما ادر كنتك الصلاة بعد فصله، فإنّ الفضل فيه»^۱

از پیامبر خدا ﷺ پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجد الحرام است. گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجد الاقصى. گفتم چقدر فاصله زمانی باهم دارند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود در هر جا وقت نماز فرا رسید در همان جا آن را بخوان که فضیلت در آن است.

^۱ روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۳۶۶ صحیح بخاری چاپ دارالسلام در ریاض.

چگونه در آسمان است در حالی که حدیث «لاتشدد الرحال الا الی...» که در مورد آن است، حدیثی است متواتر، که گروهی از اصحاب آن را روایت نموده و سپس گروهی دیگر (تابعین) که مورد ثقه و اعتماد هستند از آنها روایت نموده، و به همین ترتیب تمام امت آن را قبول داشته و سلف صالح و ذریه و اتباع آنها تا به امروز بدان عمل نموده‌اند؟!!

و هیچ یک از مسلمانان در اینکه مسجدالاقصی همان مسجد قدس است، و پیامبر ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد، شک و تردید نداشته‌اند.

چگونه در آسمان است در حالی که در روایات مستند و صحیح نیامده و برای ما نقل نشده که تنها یکی از اصحاب ﷺ چنین تصور کرده باشد که مسجدالاقصی، مسجدی باشد در آسمان بلکه آن همان مسجدی است که پیامبر ﷺ برای آنها توصیف نموده و کسانی که آنجا را زیارت کرده‌اند، او را تصدیق نموده‌اند و خداوند در باره پیامبرش می فرماید:

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ (۲) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴) ﴾ النجم: ۳ - ۴

و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد. چگونه در آسمان است در حالی که به تواتر رسیده و نسل پس از نسل این امت مسجدالاقصی را همان مسجد قدس دانسته‌اند و اصلا تصور نمی‌شود که کسی خلاف آنرا ادعا کند!!

بنا بر این به دانشمندان و محققین یهودی و گذشتگانشان از مستشرقین و همچنین کسانی که همچون آنها فکر می‌کنند، مانند شیعه‌های رافضی؛ می‌گوییم: هیچ کدام از اصحاب و تابعین و تابع تابعین و علمای امت اسلامی قایل به چنین سخنی نبوده،

و آنچه را که از آیات و روایات و احادیث فهم و استنباط نموده‌اند، این است که مسجدالاقصی همان مسجد بیت المقدس است و همه امت، اعم از پیشوایان و اصحاب و تابعین و محدثین و فقها و دانشمندان در طول چهارده قرن، مسجدالاقصی را همان مسجد بیت المقدس دانسته و هیچ کدام از آنها آنرا انکار ننموده‌اند، با این وصف آنها گمان می‌کنند که مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان!!

بدانها می‌گوییم! هر اندازه در صدد توطئه باشید و سم پاشی نمایید موفق نخواهید شد. زیرا دلهای اصحاب پیامبر ﷺ پیش از فتح شام مشتاق و آرزومند فتح بیت المقدس بودند؛ و آنها خوب می‌دانستند که سرزمین پر برکت و مبارکی که در قرآن ذکر شده، همان سرزمین قدس و فلسطین است.

و خدا را سپاس گذاریم که ما نیستیم آنجا را بیت المقدس نام نهاده باشیم بلکه خدایی آنجا را نام گذاری نموده که شنوا و بینا است. و ما نیستیم که ادعا کرده باشیم که پیامبر ﷺ از مسجد الحرام به سوی مسجدالاقصی اسراء نموده است بلکه این واقعیتی است آشکار و حقیقتی است واضح که نص صریح کلام خدا ﷻ و سنت متواتر پیامبر عظیم الشأن ﷺ بر آن دلالت دارند.

گفتار پایانی

ما هیچ گونه شک و تردیدی نداریم که همه مسلمانان بر جایگاه و ارزش مسجدالاقصی اتفاق و اجماع دارند و برتری آن واقعیتی است که هیچ گونه باطلی در آن راه ندارد، و مسجدالاقصایی که در قرآن ذکر شده است عین همان مسجدی است که در بیت المقدس قرار دارد؛ اما شیعه‌ها آن گونه به مسجدالاقصی نمی‌نگرند که سنیها به آن می‌نگرند و از نظر آنها بیت المقدس از چنان جایگاهی برخوردار نیست که اهل سنت برایش قائل‌اند، زیرا بعضی از آنها معقول نمی‌دانند که مسجدالاقصی و قدس دارای جایگاه و ارزشی باشد در حالی که عمر فاروق رضی الله عنه آن را فتح نموده و امویها تجدید بنایش نموده‌اند و صلاح‌الدین ایوبی آنرا از چنگال دشمنان آزاد نموده و زخم دل صلیبیهای کینه‌توز را عمیقتر و شدیدتر نموده است و آنها را در بلاد مسلمانان اخراج نموده است.

اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجدالاقصی به سه دسته تقسیم می‌شود

دیدگاه اول

این دسته فکر می‌کنند که مسجد قدس، مسجدالاقصی نیست، و منظور از مسجدی که آیه اول سوره اسراء به آن اشاره دارد، بیت المعمور است که در آسمان چهارم قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنجا به اسراء برده شده. آنها مسجدالاقصای فلسطین را جزو سه مسجدی که زیارتی هستند و سفر برای زیارت آنها مستحب است، به حساب نمی‌آورند، و می‌گویند که بنای آن تازه و در

عهد امویها صورت گرفته و امویها قداست آنرا شایع نموده و مردم را برای حج و زیارت آن دستور داده‌اند و احادیثی را برای ترغیب مردم جهت زیارت آن، وضع نمودند!! و اهمیت دادن سیاست مداران شیعه به مسجدالاقصی از لحاظ سیاسی است نه عقیدتی و تعبدی.

دیدگاه دوم

به اعتقاد این گروه، اگرچه در مراجع و تفاسیر و اخبار و روایات آنها نصوصی دال بر اینکه مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان، وجود دارد، اما این از جایگاه و ارزش مسجد قدس و ضرورت دفاع از آن و آزاد سازی آن نمی‌کاهد زیرا در هر صورت مسجدالاقصی متعلق به مسلمانان؛ اما با این وصف هم جایگاه و ارزش مسجد کوفه و کربلا و قم از جایگاه مسجدالاقصی بیشتر است.

دیدگاه سوم

این گروه مسجدالاقصی را همان مسجدی می دانند که در اول سوره اسراء ذکر شده و فضل و برتریش بر سایر مساجد به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبر ﷺ و مسجد کوفه مقدم است!! اما در هر صورت جایگاه آن با جایگاه مسجد کوفه و کربلا و دیگر اماکن مقدسه آنها مقایسه نمی شود.

نقطه مشترک این سه دیدگاه این است که: مسجد کوفه و مسجد کربلا و قبر حسین و قبه سامراء بر مسجدالاقصی برتری دارند خواه مسجدالاقصی در زمین باشد یا در آسمان!! و این سخنی است خیلی تعجب آور و بسیار خطرناک، و تناقض گویی واضح و آشکار است.

توانایی و تندرستی را از خداوند منان خواستاریم، و امیدواریم که توانسته باشیم حقیقت امر را به خوبی بیان نموده باشیم و گمان و تخیلات آنها را به طور شایسته رد نموده باشیم.

و در پایان از خداوند می طلبیم که این کار مورد قبول و پذیرش خود قرار داده باشد و آنرا عملی خالصانه برای خود قرار داده باشد، چرا که اگر خوبی کرده ام از جانب اوست و اگر بدی کرده ام از جانب من و از جانب شیطان است...

والحمد لله رب العالمین، ،